رنجبر

ارگان مرکزی حزب رنجبران ایران
دوره سوم

تیر ۱۳۹۶ - شماره ۱۵۸
سال ۳۹

سرنوشت برجام.....صفحه۵
تشدید از خودبیگانگی باشدت یابی رقابت.....صفحه۷
در اینجا بس دلم تنگ است وسازحاکمان بدآهنگ است....صفحه۸
مشی عمومی سیاسی کنونی چیست؟.....صفحه۹
وقت ضرورت چونباشد گریز دست بگیر دسر شمشیر تیز!....صفحه۱۰
عدالت در جمهوری اسلامی.....صفحه۱۱
در جنبش جهانی کمونیستی.....صفحه۱۷
نقش زنان فلسطینی در جنبش مقاومت.....صفحه۱۷
هنرمندان ،روشنفکران و قدرت.....صفحه۱۷

تاکتیک های مبارزاتی پرولتاریائی

اگر به سطح رو در روئی مقابله با مبارزات طبقاتی درجهان و به ویژه درایران توجه داشته باشیم که عمده تا به طور قهرآمیز توسط حاکمان به پیش برده می شود، عنصر ماتریالیستی – دیالکتیکی تعیین نوع اتخاذ تاکتیکها توسط نیروهای پرولتری باید در انجام هر اعتراض و مبارزه ای علیه رژیم پیوسته درنظر گرفته شود.

در بررسی این مورد می بینیم که رژیم سرمایه داری حاکم برای حفظ موقعیت برترخود برای تقویت نیروهای سرکوبگرش، سالانه بودجه بزرگی ازجامعه را به تقویت بنیه ی نظامی خود اختصاص داده است.

اما درخدمت به بهبود نیازهای آموزشی نظیرپایان دادن به تحمیل شهریه ها ازمدارس تا دانشگاهها، تامین زندگی شایسته معلمانی که نقش مهم آموزشی را درخدمت بیش از ۱۵ میلیون دانش آموزان دارند، ایجاد مدارس نوساز که بخش بزرگی از آنها در سراسر ایران که یا به سطح کلنگی رسیده اند و یا درمناطقی نظیر بلوچستان کودکان برای تحصیل در زیر کپرها و آسمان کبود کلاسهای درس جمع می شوند، در بی توجهی خونسردانه حاکمان قرار دارند. درسطح بهداشتی هزینه های تحمیلی و فشار طاقت فرسا به

بقیه در صفحه دوم

به مناسبت فراخوان سندیکای آلمانی(د.گ.ب) در دعوت از ۳ عضوسندیکای ایران

به این شب همبستگی سندیکای آلمانی با دوسندیکا و انجمن صنفی آرزوی موفقیت در شناسائی موقعیت جنبشهای موجود درایران داریم و به استقبال این دوستان گرامی شرکت کنیم.

جای هیچ شک و شبهه ای نیست که دو کارگر مبارز عضو هیات مدیره سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه – رضا شهابی و داوود رضوی – و لقمان ویسی عضو انجمن صنفی معلمان کردستان، تجارب گرانبهای مبارزاتی دارند و از این تجارب آنها باید

بقیه در صفحه چهارم

تنها شاهراه درست موجود کنونی

گسترش وسیع ترین آزادی های سیاسی و اجتماعی از پایین تر ین اقشار جامعه که در برگیرنده ی اکثریت عظیم توده های ستمدیده و استثمار شده باشد ، تنها راه برون رفتن از بحران عظیم کنونی ایران است که می تواند رژیم حاکم را براندازد و از تجاوز وسلطه ی امپریا لیست ها جلو گیرد و به سود پیشرفت و ترقی مردم ایران و منطقه و صلح جهانی باشد . کمونیستها باید از طریق یکی شدن و پیوند با جنبش کارگری در این راه همه جانبه تلاش کنند.چون انجام چنین وظیفه سترگ ، سخت و بغرنج تنها به دست طبقه کارگر ایران و وسیعترین اقشار ستم دیده و استثمار شده از کلیه ملیت های ایران میسر است. این طبقه ، نه تنها تولید کننده و سازنده ی تمام احتیاجات زندگی مردم اند ، نه تنها اکثریت جمعیت کشور را تشکیل می دهند بلکه در تغییر انقلابی جامعه و رهایی اکثریت عظیم توده ها هیچ چیزی از دست نمی دهد جز زنجیر های برد گی به صاحبا ن سرمایه و قدرت نظامی – مذهبی ستمگر و جنایتکار حاکم ، اما همه چیز به دست می آورد و به گفته ی انترناسیونال : هیچ بود گان هر چیز گردند . تاریخ گواه بر این است که چنین وظیفه ای به آسان به سر انجام نمی رسد. بگذارید مروری کوتاه به این واقعیت تاریخی کنیم :

صد سال تجربه مبارزه طبقه کارگر و کمونیست های ایران و نزدیک د و قرن مبارزه ی جهانی طبقه کارگر چه قبل از آگاهی و چه بعد از انتشار ما نیفست حزب کمونیست و ایجاد انترناسیونال اول نشان میدهد نظام های کهن و بویژه نظام سرمایه داری سگ هفت جانی است که به آسانی نمی میرد . حتی در سرزمین هائی هم که سوسیالیسم به پیروز ی رسید بار دیگر سرمایه داری آنرا به شکست کشانید و بار دیگر به گسترش و

بقیه در صفحه دوم

گسترده ترباد اعتصابات و جنبش های توده ای

دراثربی توجهی رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی به خواسته های به حق جنبشهای مطالباتی مختلف، به علت نیاز این جنبشها به تحقق این خواسته ها هر روز که می گذرد گسترش این مبارزات را در سطح سراسری ایران شاهد هستیم:

- تشکل یابی سندیکائی طبقه کارگرایران درتاریخ ۱۰۰ ساله اخیرو تداوم سرسختانه آن در ایجاد فدراسیون ها و شوراهای کارگری دربرابر نظامهای سلطنتی و جمهوری اسلامی مسیر حرکت رهائی بخش خود و توده های مردم را نشان داده است؛
- اعتراضات کانون صنفی معلمان ایران ازجمله ی دست یابی به این حرکت جمعی سراسری نمونه ی پیشرفته پافشاری هرچه جمعی تر روی خواستهای خود درمبارزه برای کسب آنها به طور ارزنده ای در برابر بی تفاوتی نظام آموزش و پروش از سالها پیش شروع کرده اند؛

بقیه در صفحه چهارم

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است!

تاکتیک ها...
بقیه از صفحه اول

پرستاران به ازاء شندرغاز مزدی پرداخت می شود که جز تحمیل زندگی درفقر آنها نمی باشد، و یا از تامین مسکن ارزان که نزدیک به نیمی از مزد کارگران و زحمت کشان را از جیب آنان خالی می کنند و بسیاری توده های پناه آورده به شهرها از روستاها تا لقمه نانی در کارکردن درشهر بدست آورند و در فاجعه آبادهای اطراف شهر با مرگ و زندگی مواجه هستند، و یا از تامین جدی آب آشامیدنی در روستاهائی به طور مسئوولانه ای احتراز می جویند، همه و همه نشانی هستند از تاکتیکهای سرکوبگرانه رژیم حاکم در حفظ منافع و موقعیت برترخود در برخورد به خواست توده ها تمرکز یافته است.
اگر به عمل کرد اخیر رژیم سرکوبگر حاکم توجه کنیم می بینیم که حتا جلو بزرگداشت پنجاهمین سالگرد تاسیس کانون نویسنده گان ایران را مانع می شود. مسئولان این کانون، به علت محدودیتهای اعمال شده از جانب رژیم در جلوگیری از حق دموکراتیک این تشکل، نظیر تبلیغ علنی برگزاری به طور آزاد این سالگرد نویسنده گان در خانه یکی از اعضای این کانون جمع شدند، نیروهای سرکوبگر با هجوم وحشیانه به این خانه تمام وسایلی که مربوط به فعالیت کانون درگذشته نصب شده بود، ضبط کرده ومی برند و مانع از تشکیل این سالگرد می شوند.
اگر به عمل کرد رژیم حاکم با منتها درجه قساوت حتا در جلوگیری از حق کارگران در تشکیل سندیکا و یا در به خون کشیدن اعتراضات دیماه ۱۳۹۶توده های کارو زحمت توجه داشته باشیم، دیگر جائی برای خیال بافی به برخورد مسالمت آمیز این رژیم باقی نمی ماند که تا بدانجا پیش رفته به خاطر منافع خود حتا قانون اساسی خود نوشته شده اش را هم به اجرا درنمی آورد!
به این ترتیب، با درنظر گرفتن این که مبارزه طبقاتی بین سرمایه داران و کارگران به چنان رشدی رسیده که مبارزه مشت دربرابر مشت تاکتیکهای مبارزاتی طبقه کارگر و توده های زحمت کش با رژیم به هنگام دست زدن به مبارزه باید به حساب آورد.
تاکتیکهای مبارزاتی به حساب توان هر نیروئی تعیین می شود. آن چه که امروز این توده های تحت استثمار و ستم از آن برخوردار هستند، چهار نیروی بزرگی است که فقط متعلق به آنهاست و باید از این نیروهابه بهترین وجهی در پیشبردن خواستهای خود بهره مند شوند که عبارتند از:
- نیروی بازوی تولیدی کار؛
- نیروی سازمانده ارتباطاتی؛
- نیروی فکری تولید وسایل تولیدی کار؛
-نیروی انسانی دراکثریت عظیم جوامع جهانی.
پر واضح است که با از کار انداختن تولید توسط این چهارنیروی کار توسط این اکثریت عظیم در هرکشور، درست مثل شکستن جان بطری دیو حاکمی است که در دست این نیروها ست و قادر به زنده ماندن این دیوها نیست. رسیدن به این آگاهی از توانائی توده های کار و زحمت و به کار بستن این آگاهی در عمل تاریخ ساز بشریت خواهد بود در رهائی از ظلم و ستم موجود کنونی، در پایان دادن به حاکمیت مشتی میلیونر و میلیاردر که در عشرتکده ها در ناآگاهی ماندن اکثریت توده ها قهقهه سر می دهند و حاکمیتشان برقراراست، در عمل تاریخ ساز بشریت خواهد بود .
نظام سرمایه داری به آخر خط رسیده و عملکردهای سرانی چون ترامپ با درآوردن شمشیر زورگوئی از غلاف برای حفظ حاکمیت این نظام، پیام روشنی به اکثریت مردم جهان می باشد. تاکتیک "آهسته بیا، آهسته برو، که گربه شاخت نزند" حقانیت خود را دراین دوره تاریخی در مقابله با این نظام افسارگسیخته ی سرمایه داری از دست داده است. گرچه هنوز رویزیونیستها، اپورتونیستها، رفرمیستها و مدافعان خجول نظام سرمایه داری به دنبال مغازله با کلیه ی دستگاههای موجود خادم نظام سرمایه داری هستند و به ایجاد توهم در میان توده ها با لطایف الحیل می پردازند، وظیفه ی کمونیستها در مقابله با این انحرافات چه در ارتباط باطبقه کارگر و زحمت کشان و چه در رابطه با خود کمونیستها ضروری است با شعار پرچم وحدت خواهی، مبارزه متحد و یکپارچه جهت رساندن حرکتهای مبارزاتی اعم از تاکتیکی تا استراتژیکی به تقویت هرچه بیشتر توانائی توده های پراکنده و منفرد در تحقق تشکلهای قوی و سراسری با تمام وجود تلاش کنند و به ویژه به مثابه پیشروان طبقه کارگر نمونه ی انقلابی مثبت پیش رفته ای را ارائه دهند.
این خیالی واهی خواهد بود که بدون متحد و یک پارچه شدن کمونیستها در حزب کمونیست انقلابی واحد ایران، می توان دل خوش بود که فدراسیونهای کارگری و کنفدراسیونهای توده ای را ایجاد کرد، در حالی که اگرخود پیشروان کمونیست ناتوان به انجام آن باشند و حتا شعار وحدت و تشکل یابی را دهند ولی به مصداق واعظ غیرمتعظ درمورد خودشان بی عمل باقی خواهندماند و در زیر ضربات دشمنان طبقه کارگر تضعیف و نابود خواهند شد!!

ک.ابراهیم
۶ خرداد ۱۳۹۷ (۲۷ مه ۲۰۱۸)

تنها شاهراه... بقیه از صفحه اول

سراسری شدن بازهم بیشتر خود ادامه داد.
امروز پرولتاریای جهانی با اینکه قشونش به میلیاردها رسیده است ، با اینکه در پاره ای از کشورها توانسته همچنان دستاورد های اجتماعی ،حقوقی و اقتصادی خود را تا اندازه ای حفظ کند اما در میزان جهانی همچنان طبقه ایست ستمدیده ،شدیدا استثمار زده و برای لقمه ای نان خانوادهایشان مستاصل. چرک و خونی که از پنجه ها ی سرمایه می چکد را دیگر مارکس وانگلس نیستند ببینند ، اما میلیارها انسان زحمتکش با پوست و گوشت خود این واقعیت را امروز حس می کنند و حتی بیل گیت هم به بن بست رسیدن جامعه سرمایه داری اقرار دارد مع الوصف همچنان سرمایه داری از این بحران به بحرانی دیگر خود را می کشاند و جنازه گندیده اش در خیابان ها افتاده است ! کو آن حزب انقلابی سیاسی پیشرو طبقه کارگر، بلشویک های قرن بیست ویکم ، همبستگی جهانی کارگران که خیزش میلیونی زحمتکشان وتوده ها را در به گور سپردن سرمایه داری هدایت کند..
بر ماست با دیدی آموزشی به گذشته برگرد یم ، از موضع استوار طبقاتی و شیوه ای علمی کند و کاو کنیم که چرا راه پیروزی سوسیالیسم و کمونیسم آنقدر سخت ، پیچیده و بغرنج و نسبتن طولانی شده است. چرا پیش بینی مارکس که انقلاب کارگری از انگلیس آغاز می شود ، تحقق نیا فت و چرا انقلاب در کشوری با اکثریت دهقانی رو سیه تزاری به پیروزی رسید و پس از آن بازهم پیش بینی انقلابات دیگر کشور های اروپایی به ثمر ننشست و مجبور شدند برای ادامه انقلاب جهانی رو به خاور کنند و برای نجات انقلاب کشور شوراها متحدین نوینی از کشور های مستعمره و نیمه مستعمره جستجو کنند.؟ تازه آنجا هم که سوسیالیسم به پیروزی رسید دائمی نشد و سرمایه داری از درون نظام سوسیالیستی را چون خوره خورد و پوساند و آنرا سرنگون کرد ؟ چرا کمونیست های ایران با اینکه با سربلندی در اوائل قرن پیش حزب کمونیست را بنیاد گذاشتند ، با اینکه نسل اندر نسل به

مبارزه ادامه دادند امروز همچنان پراکنده و در سیاست عمومی کشور به حساب نمی ایند ؟ امروزه سرمایه داری جهانی در هیبت انحصارات غول پیکر و با قدرت های سیاسی حاکم امپریالیستی همچنان با هرگونه گرایش کارگری و کمونیستی مخالفت می ورزد و بهر و سیله که شده از به قدرت رسیدن این طبقه جلوگیری می کند و چنانچه به قدرت رسد برای بازگشت آنها به سرمایه داری در آسمان و زمین ،پنهان و آشکار برنامه می ریزد و پیاده می کند. با روی کار آمدن ترامپ حتی خط رشد گرایش فاشیست ضد کمونیستی بیشتر شده است ، بنابراین طبقه کارگر با دشمنی سرسخت ، ماهر و تجربه دار در جنگ طولانی روبروست. ضروریست خوب دشمن را و امکانات دشمن را بشناسد ، به مبارزه ای مشت در برابر مشت بپردازد ،از نیروی پراکنده کنونی به نیروی آگاهتر ، متشکل تر و فشرده تر تبدیل شود تا در نبرد های اجتماعی ،اقتصادی - سیاسی و نهایتا نظامی از کوچک به بزرگ و از ضعیف به قوی تبدیل شود. این کار میسر نیست مگر با داشتن حزبی سیاسی پیشرو طبقه کارگر که با بهترین عناصر انقلابی کارگری ، استخوابندی تشکیلاتی محکمی را در کارخانه و تمرکز کارگران بوجود آورد . چنین حزبی ضروریست بر اساس اصول تجربه شده ی تابحال پیروزمند بلشویکی که توانستند کارگران و توده های وسیع مردم را بسیج و متشکل سازند و دشمنا ن طبقاتی قوی خود را در هم شکنند ، بنیاد گذارده شود و تکامل یابد . اکنون جنبش کارگری توانا ی در حال رشد ایران فاقد چنین حزبی است اما احزاب و سازمان ها و کمونیست های منفرد هستند که با کوله باری از تجربه مبارزاتی بعنوان خاطره ی جمعی می توانند نقش مثبتی بازی کنند و چنانچه براساس اصول و برنامه با هم یکی شوند به نیروی پر قدرتی برای ایجاد یک حزب موثر در پیوند با طبقه کارگر و هدایت جنبش کارگری تبدیل گردند. بیش از نیم قرن مبارزه ی همه جانبه ایدیولوژیک در جنبش کمونیستی ایران و جهان بویژه روشن شدن مبارزه میان دو خط مشی در درون احزاب و جنبش کمونیستی اساس مانیفست کمونیستی نوینی ریخته شده است. درد کمونیست ها همگانی است چون درد طبقه کارگر همگانی است و رهائی اش در گرو رهائی کل جامعه از یوغ نظام جهانی سر مایه است ..کمونیست ها باید یکی شوند و با پیوند فشرده با طبقه کارگر و رویاندن ریشه های عمیق تشکیلاتی درمیان آنها بطو ری که استخوانبندی اساسی کمونیستی را استوار سازد ،کادر های پیشرو ، بادرایت ، از خود گذشته کارگری را به جنبش تاریخی کارگران عرضه دارد تا از این طریق شرائط برای بسیج ومتشکل کردن وسیع ترین و عظیم ترین نیروی مردمی را بوجود آورد و در عمل نیروهای انقلابی را به نیرویی شکست ناپذیر تبدیل کرد.این تنها راه و تنها بد یلی است که پیروزی یک انقلاب عمیق اجتماعی راتضمین می کند .این واقعیت های تاریخی که پراتیک اجتماعی جوامع گوناگون گواهی سترگ بر صحت آنا ن است به چه معنی است. آیا آنطور که صاحبان سرمایه و ایدئولوگ های بورژوازی مدعی شده اند به پایان تغییرات اجتماعی رسیده ایم و نظام سرمایه داری ختم نظام های اجتماعی است ؟ آیا آنطور که رویزیونیست ها و رفرمیست های خزیده در جنبش کارگری مدعی اند کمونیسم قابل رسیدن نیست و باید راه میانه را رفت ، سازش طبقاتی را در پیش گرفت و در خدمت سرمایه پنجه های سرمایه داری را لطیف و نرم جلوه داد ؟ آیا باید در خوش خدمتی سرمایه جهانی دست به نفی کلیه دستاورد های پرولتری زد و با سیاهکاری کل اندیشه های انقلابی کمونیسم علمی را زیر سئوال برد؟ پاسخ به این نظرات منفی است .

سرمایه داری با تمام وسائلی که به چنگ آورده بنابر ماهیتش که کارل مارکس داهیانه دو قرن پیش شناساند بحران زاست و امروز همچنان با بحران ساختاری روبروست.

انحصارات بعنوان مرحله ی از تمرکز سرمایه نه تنها بحران عمومی سرمایه را حل نکرده بلکه بر شدت آن افزوده است. امروز سراسر جهان را رقابت های انحصارات مالی سرمایه داری فراگرفته و هرج ومرجی خانمان برانداز تر از هر زمان بوجود آورده است خطر فاشیسم و جنگ جهانی هر روز بیشتر می شود .

با بحران ساختاری و خیزش دائمی جنبش های خیابانی دوران نوینی در مبارزات توده ای که ماهیتی ضد سرمایه داری دارند بوجود آمده و گرایش های منفی بافی و انحلا ل طلبی را هر روز بیشتر به عقب می راند. بار دیگر در جهان کشور ها در برابر ابر قدرت ها و جریان چپاول انحصارات امپریالیستی برخاسته اند

بار دیگر خلق های ستمد یده و زیر سلطه برای رهائی از قدرت های محلی و امپریالیستی پشتیبان و برای دمکراسی دست به مبارزه زد

اما آنچه بر جسته تر دیده می شود ،آنچه توفنده تر و پر قدرت تر است جنبش کارگران وزحمتکشان ،جنبش زنان و دانشجویان و.... از پائین از قعر اجتماع است که رادیکال تر و وسیع تر در حال بر خاستن است . آنها انقلاب می خواهند.

در اوضاع کنونی جهان و ایران کمونیست ها باید با نوسازی دائمی خود و با آموزش از اوضاع در حال تغییر جهان بویژه ایران از طریق یکی شدن و پیوند با جنبش کارگری بدیل سوسیالیستی را به پرچم راستین انقلابی توده ای هم در براندازی نظام حاکم سرمایه داری اسلامی و هم ضد امپریالیستی و ضد جنگ و دخالت خارجی زیر لوای رژیم چنج سیا ، تبدیل سازند.تنها از طریق سازماندهی ومتشکل شدن توده ها و با اتکا ء به نیروی خود است که قدرت نظامی – مذهبی که در این چهار دهه به زور وزندان و اعدام استقرار یافته را می توان به زیر کشید ، بیگانگان جنگ طلب و رژیم چنجی را هم خلع سلاح کرد و انقلابی را که کمترین درد و ویرانی برای جامعه در حال انفجاردارد به سر انجام رساند. راه حل اصلاح طلبان داخل و خارج نظام چهل سال توهم کشنده را برای تغییر در میان توده ها پراکنند و به تداوم نظام خدمت کرد ند ورهبرانشان حتی تابحال به نادرستی تلاش عبث خود اعتراف نکرده اند ، بدیل مجاهدین ماجراجویی در داخل ودریوزگی و وابستگی در خارج از صدام به ابن سعود وامروزه به ترامپ هم نتیجه ای جز شکست و بهدر رفتن خون زیادی از جوانان نداشته است ، چهل سال فراریان ترسوی محمد رضا شاهی که در پی رژیم چنج آمریکائی روز شماری کرده اند و امروزه ناسیونالیسم تنگ نظریه ای را تبلیغ می کنند شکست خوردگان قدیم اند که بازگشت به استبداد مورثی را آرزو دارند.

تنها یک شا هراه درست موجود است:

راه طبقه کارگر ، راه اتکا به نیروی لایزال توده ها ، راه استقلال از ابر قدرت ها ، را هی با هدف انقلابی سوسیالیستی و این راه با گسترش وسیع ترین آزادی های سیاسی واجتماعی ودر برگیرنده ی اکثریت عظیم توده های ستمدیده و استثمار شده ، تنها راه برون رفت از بحران عظیم کنونی ایران است که می تواند بسود پیشرفت وترقی مردم ایران و منطقه و صلح جهانی باشد

دیلم

دوم ماه ژوئن ۱۸

به مناسبت فراخوان...
بقیه از صفحه اول

بیاموزیم. باوجوداین باید هشیارباشیم که حاکمان فاشیست مسلک ایران منتظر پرونده سازیهای جدید و اتهامهای جعلی به این دوستان گرامی زده و بعداز برگشت به ایران مشکلات فراوانی را به این عزیزان مبارز می توانند به وجود آورند. به این اعتبار، رفقا ودوستان و شرکت کنندگان دراین گردهم آئی ضروری است این واقعیات را درنظر گرفته و بیشتر جنبه ی آموزشی ازفعالیتهای صنفی این مهمانان صاحب نظرداشته باشند تا مسائل سیاسی داخلی و جهانی را پیش بکشند و نظر خواهی ازآنان بکنند.
امید به این که این دیدار با موفقیت همراه شود و با آرزوی سلامتی و تلاش مبارزاتی این عزیزان از تشکلهای موفق کارگری و معلمان.

حزب رنجبران ایران
۲۸ مه

با قدردانی از کمکهای مالی رفقا و دوستان به حزب ذکراین نکته را ضروری می دانیم که تکیه ی حزب به اعضاء وتوده ها در پیشبرد مبارزه طبقاتی، روشی انقلابی و پرولتاریائی است درحفظ استقلال سازمانی و جدا نشدن از طبقه کارگر وتوده ها

گسترده تر باد...بقیه از صفحه اول

- دانشجویان ایران دربرابر سرکوبگری حاکمان و افت وخیزهای آن هیچگاه خاموش نشده و تلاش در ایجاد جنبش دانشجوئی پیشرو در پیوند با جنبش کارگران و زحمت کشان ادامه می یابد؛
- بازنشسته گان نیز به گسترش مبارزاتی خویش هرچه بیشتر دربرابر دولت تحمیل کننده فشار عدم پرداخت مرتب بازنشسته گی که شندرغازی بیش نیست، می پردازند؛
- شروع اعتصاب سراسری اخیر کامیون داران و راننده گان کامیون از ۲ خرداد ۱۳۹۷ به دنبال فراخوانی برای اعتصاب سراسری رانندگان کامیون و کامیون داران، این اعتصاب در شهرهای مختلف کشور اعلام حضور و وجود این جنبش گردید.

کامیون داران به افزایش قیمت بیمه‌ها، عوارض اتوبان‌ها، کمیسیون بالای باربری‌ها، هزینه بالای تعمیرات و قیمت بالای لوازم یدکی خودروها، با وجود ثابت ماندن کرایه‌ها، توسط شرکتهای خصوصی همراه با دولت تحت بهانه ی جلوگیری از گرانی قیمتها اعتراض دارند.
کامیون داران در بیشتر استان های کشور، از جمله خراسان رضوی، هرمزگان، فارس، لرستان، کرمان، اصفهان، قزوین، از حمل بار خودداری کرده و خواستار رفع مشکلات خود شدند.
با ادامه اعتصاب کامیون‌داران و کمبود بنزین و گازوئیل در شهرهای ایران، و برای به شکست کشاندن این اعتصاب سراسری، سپاه پاسداران و ارتش تانکرهای خود را برای سوخت‌رسانی به بعضی جایگاه‌ها به خدمت گرفته‌اند.
اعتصاب کامیون‌داران و رانندگان کامیون به زودی در سراسر ایران از جمله در خوزستان گسترش پیدا کرد.«حق گرفتنی‌ست دادنی نیست!» این جمله را کامیون‌داران مشهدی روی بنرهای خود نوشته‌اند. کامیون‌داران زرند کرمان هم علاوه بر بالا بودن مخارج کامیون و قطعات یدکی یک خواسته مشخص را به منظور مقابله با پایین بودن کرایه‌ها مطرح کرده‌اند: «خواهان تعیین کرایه پایه برمبنای تُن بر کیلومتر می‌باشیم.»
براساس اعلام وزارت راه و شهرسازی؛ ۳۶۰ هزار کامیون حمل بار در کشور وجود دارد. به گفته «عباس خاکبازان» رئیس انجمن صنفی کارگری رانندگان ناوگان یخچال دار بین‌المللی شهر تهران، به دلیل عدم نظارت سازمان راهداری بر شرکت‌های باربری، این شرکت‌ها بین ۵۰ تا ۸۰ درصد هزینه حمل را به عنوان کمیسیون خود برمی‌دارند؛

مطالبات کامیون داران و رانندگان کامیون

۱- افزایش حداقل ۵۰٪ کرایه‌های داخلی و خارجی
۲- افزایش سهمیه سوخت ماهیانه، به گونه‌ای که راننده مجبور به تهیه گازوییل آزاد نباشد
۳- حذف نصب اجباری سپهتن توسط راهنمایی و رانندگی و احترام به حریم خصوصی رانندگان
۴- تصویب قانون جدید و کاهش درصد نرخ کمیسیون دریافتی باربری و پایانه‌ها از رانندگان از ۱٤٪ به ۷٪
۵- مستقر کردن دفتر نظارت بر کمیسیون دریافتی از رانندگان درپایانه ها، مخصوصا کلان شهرها مانند: تهران ،یزد ،بندرعباس، کرمان، بندرامام و...
۶- تعیین نرخ کرایه بر اساس تن بر کیلومتر، که در این صورت حق راننده و صاحب بار کاملا رعایت میشود.
۷- کاهش نرخ حق بیمه تامین اجتماعی و تصویب مشمولیت مشاغل سخت و زیان آور برای رانندگان

کارگران جهان متحد شوید

۸- کاهش نرخ عوارض جاده ای
۹- کاهش نرخ مالیات سالانه کامیون
۱۰- تشکیل فراکسیون حمایت از صنعت بزرگ حمل و نقل جاده ای در مجلس

- گرچه تقسیم ناعادلانه ی آبهای موجود و عدم استفاده درست از ذخایر آب کشور فاجعه ی کم آبی به ویژه درمناطق روستائی به حد اعتراضات سراسری نرسیده ولی " در برخی مناطق مثل شرق اصفهان در شرایط کنونی، کشاورزان به نبود آب کشاورزی و عدم تأمین حقابه خود معترض هستند و در برخی مناطق دیگر نیز درگیری ها برای تأمین آب مورد نیاز صنعت و یا جلوگیری از اجرای طرح های انتقال آب موضوع اصلی تنش های آبی است، و اوضاع شرق کشور به شدت نگران کننده تر از این حرف ها دارد و موضوع جان و سلامت مردم در میان است".(تابناک)

در شهرستان های شرقی استان خراسان جنوبی، شهرستان هایی مثل شهرستان درمیان مردمی که در خط مقدم مرزهای شرقی کشور به نوعی مرزبانان و محافظان مرزهای کشور محسوب می شوند، اما مشکلات طبیعی و بحران های بهداشتی و درمانی که اکثراً به دلیل نبود آب برایشان ایجاد شده دیگر زندگی برای آنها را غیر ممکن کرده است.

این را می توان از بررسی وضعیت زندگی مردم روستای ذکری در ۵۰ کیلومتری شهر اسدیه به عنوان مرکز شهرستان درمیان دریافت؛ مردمی که مدت هاست دیگر دسترسی به آب سالم برایشان ممکن نیست و تنها امید آنها تانکرهای آبی است که هر ده روز یک بار از سوی شرکت آب و فاضلاب روستایی برای آنها آورده می شود.

در روستای ذکری عطش موج می زند و لوله های آب شرب خانگی سال هاست به دلیل بی آبی، کارایی خود را از دست داده است. در این روستا تنها حمام عمومی موجود از سال ها پیش به دلیل نبود آب تعطیل شده و اکنون به شکل یک مخروبه درآمده است.

مردم این روستا آنقدر از نظر تأمین آب شرب برای آشامیدن و بهداشت فردی در محدودیت قرار گرفته اند که سلامت فردی و گروهی آنها به دلیل محدودیت های آبی به شدت وخیم شده است.

بیماریهای پوستی و فقر تغذیه در میان مردم این روستا موج می زند و تقریباً هیچ آبی برای کشاورزی وجود ندارد. تأمین دیر به دیر آب شرب روستا به وسیله تانکرهای آب رسان - که گفته می شود برخی اوقات به فاصله بیش از ده روز به روستای ذکری می روند - سبب شده مردم برای رفع نیازهای خود از گنداب هایی استفاده کنند که تحت هیچ شرایط مصرف آن برای هر جنبنده ای به صلاح نیست.

دغدغه و مشکل بیش از ۴۸۰ روستای مرزهای شرقی کشور در استان خراسان جنوبی است.

بدین ترتیب درکلیه ی مناطق کشاورزی و روستاهائی که کم آبی معضل زنده ماندن را به وجود آورده نیاز به جنبشی سراسری هست. اما کلیه ی جنبشهای مطالباتی باید بیش از پیش به این حقیقت دست یابند که بدون پیش بردن مبارزه ای اصولی متحد و یک پارچه خود و با جنبش نیرومند کارگری قادر به رهائی از سلطه ی جابرانه ی نظام سرمایه داری حاکم در ایران تحت هر عنوان پادشاهی، جمهوری"سکولار"، جمهوری اسلامی، جمهوری اسلامی "دموکراتیک" نبوده و تنها با تحقق انقلاب کارگری و استقرار جامعه ی سوسیالیستی در اسارت نیروهای استثمارگر و ستمگر باقی خواهند ماند.

ک.ابراهیم

۹ تیر ۱۳۹۷(۱ول ژوئن ۲۰۱۸)

سرنوشت برجام

بعد از مدتها کشاکش دیپلماسی ،ترامپ آمریکا را از قرارداد برجام بیرون کشید و از تمامی تعهداتی که در قبال این قرارداد بین المللی سپرده بود شانه خالی کرد.همانطور که بستن این قرارداد یعنی سپردن کنترل منابع هسته ای به دست امپریالیست های گوناگون مورد تائید مردم ما نبود همینطور از بین رفتن این قرارداد و بالا گرفتن تنش های نظامی و سیاسی به نفع مردم نه تنها ایران بلکه خاورمیانه نیست.

زمانی این قرارداد به انجام رسید که بعد از مدتها مذاکره در درجه اول با اروپائی ها و بعدا با اضافه شدن آمریکائی ها به قرارداد ۵ بعلاوه یک که از پنج کشور فرانسه ، انگلستان ، چین ، روسیه ، امریکا و آلمان با ایران معروف شد . این قرارداد فعالیت های هسته ای ایران را تحت کنترل خود تا سال ۲۰۲۵ قرار می دهد و در برابر طرف های مقابل تحریم های ناشی از فعالیت های هسته ای ایران را لغو و مناسبات عادی را طی یک دوره برقرار خواهند کرد.این تحریم های از فروش نفت تا قراردادهای اقتصادی ، ارتباطات بانکی و معاملات با دلار و خرید برخی از اقلام نظامی را شامل می شود.در طی چند سال گذشته آژانس بین المللی انرژی هسته ای تائید کرده است که جمهوری اسلامی مفاد این قرارداد را اجرا کرده است.برجام بعد از توافق قدرت های بین المللی با ایران به تصویب سازمان ملل رسید و به عنوان یک قرارداد بین المللی شناخته می شود.

برجام در زمانی که آمریکا و غرب با شکست سیاست هایشان در عراق و لیبی و افغانستان روبرو شده بودند و ادامه حضور نظامی را در آن مقطع در عراق بی فایده می دانستند و سیاست نفوذ به خاورمیانه بویژه ایران از طریق نظامی کارآئی خود را از دست داده بود بسته شد. روشن بود که این قرارداد موقت و براساس توازن نیروها در خاورمیانه و در سطح گسترده تری در سطح جهانی شکل گرفته است.

طی چند سالی که از امضاء این قرارداد می گذرد در اردوگاههای امپریالیستی تغییرات چندی صورت گرفته اولا اینکه امپریالیسم آمریکا تا حدی توانسته بر مشکلات ناشی از کاهش رشد اقتصادی غلبه کند و تهاجم جدیدی را برای سرکردگی بر دیگر رقبا آغاز کند. دوم اینکه تضادهای آمریکا با اروپا و روسیه و چین و براه اندازی جنگ

اعتصاب از حقوق اولیه کارگران است

هـای نیابتی و فـروش اسلحه برای صنایع اسلحه سازی آمریکا بسیار پول ساز بوده است که در کنار آن بسیار دیگری از صنایع آمریکا در حال بازسازی و رشد می باشد. اما امپریالیسم آمریکا برای رسیدن به قدرت با مشکلات زیـادی که ناشی از رقابت های افسارگسیخته با هزینه های سرسام آور و بحران های اقتصادی همراه آن است. از طرف دیگر آمریکا از قدرت های دیگر امپریالیستی بیشتر مورد تنفر مردم جهان است.افکار عمومی مردم جهان نسبت به آمریکا همچون افکار عمومی مردم جهان نسبت به انگلستان در سال های جنگ دوم جهانی است.کنترل رسانه های بین المللی آنلاینی و تلویزیونی نیز نتوانسته آنرا تغییر دهد.بویژه که حتی متحدین آمریکا بطور زیرکانه روزانه زیرپای آنرا خالی می کنند.بطور مثال حمله موشکی آمریکا ، انگلستان و فرانسه به سوریه با بهانه استفاده از سلاح های شیمیائی نه تنها حقانیتی برای این دولت های به ارمغان نیاورد بلکه نفرت مردم جهان را از این گستاخی ها و کشت و کشتارها و حمله به کشورهای ضعیف بشدت افزایش داده است.

در این زمان مشخص سرمایه داری آمریکا برای پیشبرد سیاست هایش به رفتارهایی شبیه ترامپ و جان بولتون احتیاج دارد. رفتـاری که هیچ تعهدی نسبت به قرار دادهای بین المللی و تعهدات ناشی از آن نداشته باشد و تمامی ارزش های حتی خود ساخته را نیز به تمسخر و سخره گرفته و آنها را پای مال کند.از طرف دیگر موضع تهاجمی ترامپ در رابطه با برجام دارای استفاده های داخلی و بستن دهـان رقبای داخلی سیاسی اش نیز هست. او در صحنه سیاست بین المللی سیاست مشت علیه مخالفین را در پیش گرفته است تا در داخل اجازه هیچگونه مخالفتی را ندهند، مشتی که در صورت موفقیت در آینده بر سر مخالفین داخلی فرود خواهد آمد

جایگاه جمهوری اسلامی در این رقابت های بین المللی این است که امروزه در بلوک بندی چین و روسیه قـرار گرفته است و بعلت موقعیت استراتژیک و ژئوپولیتیکش به یکی از مراکز رقابت تبدیل شده است. ایـران کشوری است که دروازه آسیا از طریق اروپـا و آفریقا است و یک قدرت نظامی و سیاسی منطقه ای به حساب می آید .برجام قرارداد موازنه قدرت برای قطب های قدرت بوده است .امپریالیسم آمریکا با اتکا به وضع کنونی اقتصادی و نظامی اش دیگر خواهان این قرارداد که موازنه چند سال پیش را بیان می کرد نیست . سیاست تکیه به آشوب و تنش های فزاینده منطقه ای برای کنار زدن و عقب راندن رقبا و فشار به آنها برای تن دادن به خواست های امپریالیسم آمریکا فقط به مسئله برجام برنمی گردد این سیاستی است که آمریکا در دریای چین ، آفریقا هم بشدت دنبال می کند. رژیم های عربستان سعودی و اسرائیل بصورت غیر واقعی در رسانه های بین المللی بزرگ نشان داده می شوند تا در آشوب های آینده نقش کشورهای غربی پوشیده نگاه داشته شود.

اما اینکه قدرت های اروپائی بر باقی ماندن در برجام تاکید می کنند دارای چندین دلیل از جمله منافع وسیع اقتصادی در بازار ایران ، استفاده از تحرکات ضد آمریکائی بودن ایران برای تحکیم موقعیت خودشان در خاورمیانه و بالاخره جلو انداختن آمریکا و استفاده از هرج و مرجی که بوجود خواهد آمد است. در این کشمکش دیپلماتیک چه آنانی که از برجام دفاع می کنند و یا آنها که با اما اگر خواهان حفظ آن هستند و نیز آمریکا هیچکدام در خدمت منافع مردم منطقه و یا ایران نیست ، تنها و تنها منافع اقتصادی قدرت های امپریالیستی و شرکت های غول آسای فراملی مورد نظر و چانه زنی است. روشن است که آمریکا منطقه را عمدا به طرف تنش و درگیریهای سیاسی و نظامی بیشتری سوق می دهد.آمریکا همچون یک قـداره بند بین المللی عمل می کند و در سطح جهان هل من مبارز می طلبد.مسئله تعرفه گذاری بر آهن و آلومینیم ، دریای چین ، شرکت در درگیری های سوریه و.... سیاستی است که از موضع مشت محکم حرکت می کند تا امتیازات بسیار بیشتری از رقبا اتحادیه اروپا و چین و روسیه بگیرد. دهه گذشته دهه ضعف آمریکا و تقویت اتحادیه اروپا ، چین و روسیه بوده است. برای آمریکا این روند بایستی عوض شود. این کشور که سال ها سرکرده دارودسته های امپریالیستی بوده است در حال سقوط به موقعیت درجه دوم و سوم است. آمریکا در عین اینکه هنوز پرقدرت ترین اقتصاد و نیروی نظامی جهان را داراست. اما روند رو به جلو نشان می دهد که قـدرت های رقیب (اتحادیه اروپا و چین و روسیه) در حال رسیدن و یا جلو زدن از آمریکا هستند. در این بلبشوی خبری و رسانه ای دو مسئله مجزای انرژی هسته ای و سلاح های هسته ای آگاهانه یکی گرفته شده است تا معلوم نشود هر کدام از طرفین دعوا چه موضعی دارنـد. انـرژی هسته ای در دنیای امروز برای همه کشورها به یک ضرورت تبدیل شده است و نه تنها حق ایـران بلکه همه کشورهای جهان است که از آن استفاده بهینه کرده تا بتوانند صنایع و اقتصاد خود را جلو ببرند. بر طبق قوانین بین المللی این حق به رسمیت شناخته شده است.اما آنجا که مسئله سلاح های هسته ای و تولید بمب های اتمی و هیدروژنی و کشتار جمعی مطرح است این حق هیچ کشوری و من تاکید می کنم هیچ کشوری نیست که آنرا تولید کرده و یابفروشد. مسئله این است که باید معیار های دوگانه را به زمین گذاشت. رژیم جمهوری اسلامی یک رژیم فاشیستی و تروریستی است آیا دولت های امپریالیستی در سطحی بسیار بالاتر و در ابعاد هولناکتر همان کارها و سیاست هائی را که رژیم جمهوری اسلامی در منطقه جلو می برد ، انجام نمی دهند؟ تولید سلاح های کشتار جمعی بایستی ممنوع و بطور دسته جمعی کنترل شود. این جواب درست به مسئله است. می توان دولت مرتجع یک کشور جهان سومی را وادار کرد که تن به حراج کشور خود بدهد ولی در این حراج هیچ نکته درستی از صلح و امنیت و مزخرفاتی از این قبیل که این روزها نقل محافل امپریالیستی است ،در خود ندارد.متاسفانه دود این نوع فریب کاری های دیپلماتیک در تحمیل قراردادهایی نظیر برجام ویا در زیرپا گذاشتن آن به چشم مردم و در درجـه اول کارگران و زحمتکشان جامعه خواهد رفت.

کنار رفتن آمریکا از قرارداد برجام و اجرای تحریم های تازه شروعی بر تنش های شدید تر و خشونت بار تر در منطقه است تلاش دارد آنرا به درجه ای از آشوب بکشاند که شیرازه های جوامع را در هم.فرو ریزد. رفتارهای رژیم جمهوری اسلامی به این سیاست بطور مستقیم کمک می کند رژیمی که به غیر سرکوب ، شکنجه و زندان علیه مخالفین خود از هیچ جنایتی رویگردان نیست ، رژیمی که همه معیارهای انسانی ، اخلاقی ، معیشتی ، سیاسی را زیر پا گذاشته است.رژیمی که خود کپی مخالفین جهانی اش در شکل عقب مانده و کوچکتری است چگونه قـادر به دفـاع و حراست از منافع مردمان سرزمینش است.در حقیقت رژیـم جمهوری اسلامی ایـران در برابر اراده مردم خود برای تغییر و ایجاد یک کشور متحد ، مترقی و سوسیالیست ، متحد قدرت های بزرگ امپریالیستی است. آن اپوزیسیون خود فروخته ای که منتظر محاصره اقتصادی ایران و ویرانی کشور در خدمت به قدرت رسیدن خود است.

هیچ فرقی با جمهوری اسلامی بغیر از نام و نشان ندارد.آنها بعلت موضع طبقاتی شان قادر به درک این موضوع نیستند که تحریم های اقتصادی کشورهای امپریالیستی غربی فشار و فقر مستقیم و فزاینده ای را برای همه اقشار و طبقات فرودست در نبود یک نیروی متشکل آگاه می تواند تبدیل به شورش های کوری شود که داعش ها و طالبان ها را در خود پرورش دهد.

در این اوضاع پر آشوب که با تشدید تضادهای امپریالیستی به سطح خطرناکی رسیده است. هیچ نیرویی به غیر از مردم متشکل و آگاه قادر به جلوگیری از آن نیستند.شتاب سرمایه داری اجازه ایستادن و یا کنار کشیدن از این رقابت های افسار گسیخته به هیچ نیروی سیاسی ، نظامی ، اقتصادی سرمایه داری را نخواهد داد.سرمایه داری در حال برپائی جنگ های خونینی در آینده نزدیک است بایستی اوضاع را دریابیم.سازش ها در رقابت های سرمایه داری همیشه موقت و گذار بوده است آنچه که در این سیستم پر از ستم و استثمار و جنایتکار دائمی است ،رقابت های افسارگیخته همراه با جنگ های و کشتارهای دسته جمعی از کارگران و زحمتکشان و خلق های دربند جهان کنونی ماست. این روند در اشکال مختلف از چانه زنی های دیپلماتیک تا بمباران هسته ای تا جنگ های داخلی ،محاصر اقتصادی، ترور و خرابکاری و ویرانی جوامع انسانی تا سازماندهی گروههای تروریستی و.... در حال جریان است .

جواب برجام چانه زنی و یا دفاع از یک طرف و یا دلسوزی نیست .جواب برجام برای ما که می دانیم نیروی دیگری بجز توده های متحد و متشکل زیر پرچم طبقه کارگر و مشخصا حزب کمونیست که وظیفه خود را انهدام نظام پر از ستم و استثمار و ظلم سرمایه داری اعلام کرده اند نمی تواند وضعیت را از این روند خارج کند، متحد و متشکل شدن و سرنگون کردن انقلابی رژیم اسلامی و کوتاه کردن دست امپریالیست ها از سر کارگران و زحمتکشان و خلق های ستمدیده جهان است.

ع.غ

تشدید از خودبیگانگی با شدت یابی رقابت

ازخود بیگانگی از زمان به وجود آمدن مالکیت خصوصی بروسایل تولید، استثمار فرد از فرد و نهایتا قرارگرفتن طبقات حاکم و محکوم درمقابل یک دیگر، پدیده ی تازه ای نیست، ولی شدت یابی رقابت به ویژه در شرایط کنونی حاکمیت نظام سرمایه داری درگام گذاشتن به عالی ترین مرحله ی تشکیل انحصارات عظیم تمرکز سرمایه مالی – صنعتی و حتا عبور از مرحله ی کشوری به سطح ادغام سرمایه های جهانی در این انحصارات، کارتلها و تراستها این رقابتهای خدماتی به سطوح فعالیتهای اجتماعی آموزشی، هنری، ورزشی، کاریابی و غیره چنان رسوخ داده شده که به صورت ایدئولوژی فرد گرائی، نخبه گرائی، فرقه گرائی و غیره درآمده است.

به عنوان نمونه به بخش ورزشی نگاهی نقادانه بیاندازیم: مسابقه فوتبال دو تیم دانمارکی و سوئدی که در ۲ ژوئن ۲۰۱۸ برگزارشدکه در پیشرفته ترین کشورهای سرمایه داری، به عنوان دموکرات ترین کشورهای جهان شناخته شده اند و مدل سوئدی آنها دائما ورد زبان حاکمان این کشورها می باشد. اما با دیدن این مسابقه ورزشی به وضوح شاهد آن بودیم که به جای این که بازی قشنگ هنرمندانه ای ارائه دهند، مهمترین هدفشان بردن مسابقه به سود تیم خود با بازی خشن و تلاش برای بردن به هرقیمت، چپ و راست با پشت پا زدن به حریف تیم دیگر تا حد آسیب رسانی به بازی کنی باعث می شدند که برخی از آنها را ازمیدان بازی خارج نموده و دراین میدان جنگ و نه میدان بازی دوستانه، با بیرون انداختن حریف خوب زمینه را برای بردن بازی به نفع تیم خویش از پیش فراهم می ساختند.

در این میان با توجه به این که درمسابقه فوتبال بدون همکاری ۱۱ نفری که درآن شرکت دارند و تاکتیک بازی خود را درهم آهنگی باید پیش ببرند، درصورت فقدان این هماهنگی حتا بهترین بازی کن هیچ تیمی قادر به ارائه ی بازی فوتبال زیبائی نیست، امری که نشان دهنده ی نقش بازی هماهنگ جمعی برتراز بازی حتا ماهرانه ی فردی می باشد.

اما نظام حاکم سرمایه داری طبق به کارگیری دید رقابت جویانه ی خود، با کشف بازی کن ماهرتر، با پرداخت اجرت بیشتر به او و ایجاد تمایز بین بازی کنان چنان رقابتی بین حتا این تیم ورزشی ایجاد می کنند تا ازاین طریق نخبه های ورزشی را به سوی خود و به سود خود جلب کنند و از این طریق رقابت در درون هرتیمی به وجودآورند تا بازی کنان به انسانهای ازخود بیگانه درخدمت باشگاههای ورزشی تبدیل شوند.

دامنه ی این رقابت طلبی بین باشگاههای فوتبال و طرفداران تماشاچیهای مدافع این یا آن باشگاه، این یا آن تیم فوتبال، چنان برای تماشا به هنگام شروع بازی در میدان فوتبال حاضر می شوند که به سان دفاع از جنگ طلبان خودی و تنها به تیم مورد علاقه خود شعارمی دهند و آواز می خوانند که با رها دیده شده در صورت باخت تیم مورد نظرشان چه در حمله به تیم مقابل و چه افتادن دو تماشگر مدافع به جان هم دست به کتک کاری هم می پردازند و گاهی هم تا به حال دراین ماجراها افرادی کشته شده اند.

همان طور که بدون تولید کردن حیات زندگی انسانها به خطر می افتد، به همان گونه که بازی دوستانه و هنرمندانه به جای این که همبستگی بین انسانها و لذت بردن از بازی قشنگ ورزشی فراهم شود، میدانها به رقابتهای ورزشی چنان فجیعی تبدیل می شوند که انسانها شاهد حس انتقام جوئی دردردفاع از تیمها تبدیل می گردند و به جای رسیدن به مقام بالای دوستی و نمایش جالب، به حیوانات وحشی حاکم و محکوم تغییرمی یابند. طبقه حاکم سرمایه دار از این حالت ایجادکرده در جامعه، انسانها را ازخود بیگانه و فرد پرست تبدیل نموده نهایت سود را برای حفظ حاکمیت خود و قانون جنگل "قویتر بهتر"می برد.

نمونه فوق را می توان در زمینه ی مبارزات سیاسی طبقاتی ملاحظه کرد: کم نیستند کسانی که خود را مدافع طبقه کارگر و ضد نظام سرمایه داری معرفی می کنند، اما به علت تسلیم شدن در شیوه رقابت طلبی، خود مرکز بینی و نخبه گرائی از متحدشدن درخدمت به امر رهائی طبقه کارگر امتناع ورزیده و بدانجا می رسند که حتا بیش از ۶۰۰ سال پیش هشدار داده شد:

جنگ ۷۲ ملت همه را عذر بنه
چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند؛

به این اعتبار تشکلهائی که تنها خود را مدافع طبقه کارگر قلمداد می کنند، ولی حاضر به وحدت با دیگر تشکلهای مدافع طبقه کارگر نیستند، ازجمله چنان گرفتار در ازخودبیگانه شدن تحمیلی نظام سرمایه

حق اعتصاب باید قانونا و عملا به رسمیت شناخته شود

داری می باشند. بیان این واقعیت عینی نشان می دهد آنانی که غرق در فرد گرائی و فرقه گرائی هستند نمی توان با راهنمائی نجاتشان داد و به قول معروف: "با مدعی مگوئید اسرار عشق و مستی--- تا بی خبر بمیرد در رنج خود پرستی" تاریخ جواب شکستها را می دهد که ما شاهد نمونه های فراوانی از آنها هستیم.

ک.ابراهیم

۱۴ خرداد ۱۳۹۷ (۴ ژوئن ۲۰۱۸)

دراینجا بس دلم تنگ است و سازحاکمان بدآهنگ است!

دراین ماه مه، جزوه ای به نام " درباره بحران یا جنگی رخ خواهد داد" از جانب دولت سوسیال دموکرات کنونی سوئد بطور فشرده ای درمورد "آماده گی درمقابل بحران، دفاع تمام عیار، نظام هشداردهی" می نویسند:

"بسیاری از انسانهاممکن است درمورد دنیای نامطمئن احساس ناراحتی کنند. گرچه سوئد از بسیاری از کشورهای دیگرامن تر است، تهدید علیه امنیت و استقلال ما وجود دارد. صلح، آزادی و دموکراسی ارزشهائی هستند که ما باید هر روز از آنها دفاع کنیم".

این عام گوئی از خطرات تا آنجا قابل توجیه است که در صورت بروز فاجعه هائی نظیر زیست محیطی، و عملیاتی تروریستی افکارعمومی را برای "دفاع تمام عیار" از این فجایع آماده نمود. اما این راه حلی بسیج کننده ی توده های وسیع مردم نیست و سازماندهی دقیقی می طلبد. وقتی که جنگ و خطر تروریسم پیش کشیده می شود، دولت مسئول در روشنگری اوضاع کنونی باید دست به تحلیل دوستان و دشمنان خود زده و وجود تجاوز آشکار دشمنان را با دلایل مشخصی که پیوسته علیه کشورسوئد روی می دهند نشان داده و با ایجاد آماده گی درمقابله با این خطر چنین تحلیلهائی را ارائه دهد و توده های مردم را درمقابله علیه هرگونه تجاوزخارجی آماده نگه دارد.

تا زمانی که چنین تحلیلهائی درمورد نشان دادن دشمنان متجاوزی موجودنباشد و یا به طور غیرمستقیم دشمن تراشی صورت گیرد، تنها سئوال و انگیزه ای در دادن چنین جزوه ای مطرح می شود این است که تبلیغ خطر جنگ و مقابله با آن نه به خاطر حفظ استقلال و آزادی خود این کشور، بلکه بر اساس فشارهای نیروهای جنگ طلب کشورهای سرمایه داری برای حفظ حاکمیت خود این نظام در جهان ست که نیاز به استفاده از توانائیهای نظامی دیگر کشورها و کشاندن آنها به سوی شرکت در قدرت نظامی ناتو تحت رهبری امپریالیسم آمریکا و یا حتا ایجاد دفاع نظامی اروپائی تحت رهبری اتحادیه ی اروپا می باشند و این نیروهای جنگ طلب درون خود این کشور نیز پیوستن به این اتحادهای نظامی امپریالیستی را مجدانه توصیه می کنند.

با وجودی که چنین تهدیدهائی علیه کشور سوئد در ۱۰۰ سال گذشته صورت نگرفته، و این کشور به مثابه یک ویترین نظام جهانی سرمایه داری جهت جلب کشورهای جهان به پذیرش این الگو بوده است پس احساس خطررا مطرح کردن، امر جا انداختن تقویت نظامی امپریالیستی و شرکت درماجراجوئیها می باشد. وگرنه چنانچه نظام حاکم در سوئد به مثابه کشوری صلح دوست در سی سال گذشته به محکوم کردن تجاوزات فاشیستی صهیونیستها به ملت ستم دیده ی فلسطینی و جنگهای تجاوز کارانه ی دیگر توسط ابرقدرت امریکا نپرداخته و نشان داده است که در معرفی دشمنان صلح جهانی موفق عمل نکرده است. اگر چنین موضعی این دولتها در سوئد داشتند تمرکز تبلیغات جهانی و داخلی خود را روی جلوگیری از جنگ فاجعه بار کشتارصدها میلیونی و ویرانی جهان گذاشته و فریاد رسای نه قاطعی را به پیمان نظامی متجاوز امپریالیستی ناتو می رساندند. چنین موضعی می توانست در حفظ صلح جهانی اثر مثبتی برجای بگذارد که درزمان نخست وزیری اولاف پالمه قربانی شده، داشتند. ولی ماهیت استثمارگرانه و ستمکارانه نظامهای سرمایه داری به خصوص در مراحل گندیده گی امپریالیستی حکم می کند که جنگ وسیله ی مطلوبی است برای حفظ سلطه بر کشورهای ضعیف پیرامونی و غارت منابع طبیعی و استفاده از نیروی ارزان کار این کشورها و دراین رابطه تامین راههای سود بردنها.

باتوجه به رشد ناموزون کشورهای امپریالیستی و به وجود آمدن کشورهای جدیدی در جهان امپریالیستی نظیر چین که ابرقدرت آمریکا را به چالش کشیده، کشورهای اروپای غربی و مرکزی در دهه های اخیر از دوستان ابرقدرت آمریکا بوده اند تلاش بیهوده ای درحفظ وضع موجود می کنند. ولی همان طور که درقرن گذشته ابرقدرت آمریکا به ویژه بعد از جنگ جهانی امپریالیستی دوم رهبری این نظام را به دست آورد و استعمارگران امپریالیست انگلیس و فاشیسم افسارگسیخته آلمان و متحدینش قدرت خود را درجهان از دست دادند، اکنون زمان فروپاشی ابرقدرتی آمریکا فرارسیده است.

برای جلوگیری از جنگهای ارتجاعی امپریالیستی ضروری است پرچم دفاع از صلح بین المللی جهان و مقابله با جنگ افروزی توسط آنان که بیش از ۹۵ درصد مردم جهانند، تنها معیار دفاع از صلح و تحقق و حفظ آن می باشد و نه دامن زدن به دفاع مسلح و آماده شدن در دفاع از خود صرف!؟

ک.ابراهیم

۱۰ خرداد ۱۳۹۷ (۳۱مه ۲۰۱۸)

مشی عمومی سیاسی کنونی چیست ؟

یکم: اهمیت تاریخی پرسش

چگونه باید در عمل دوستان را متشکل کرد ودر یک صف مشترک آورد و علیه دشمنان واقعی مردم همراه وهم صدا مبارزه را تا آخر پیش برد ؟ پاسخ درست به این پرسش از زمانی که توده های وسیع مردم ایران با خیزش سراسری خود در بیش از هشتاد شهرنشان دادند کارد به استخوانشان رسیده ، حاضرند به خیابان ها بیایند ،اعتراض کنند و اعتصابات سراسری را برای گرفتن حق خود بر گزار نمایند ، اهمیت بازهم بیشتری یافته است . چون در انقلاب ۵۷ بخا طر نبود مرزبندی درست بین دوستان ودشمنان انقلاب و انحراف در مشی عمومی طبقه کارگر نه تنها انقلابیون واقعی و توده های مردم شکست خوردند بلکه ضد انقلاب اسلامی قرون وسطایی مسلط شد و تا امروز سایه شوم آن بر سر مردم سیاهی می کند.

دوم :پاسخی آسان موجود نیست

مبارزه طبقاتی و تجربه ی عملی احزاب و سازمان ها سیاسی کارگری گواه بر این واقعیت اند که پاسخ به این پرسش و انجام چنین و ظیفه ای کار آسانی نبوده ونیست. در جوامعی چون ایران که انقلاب در دوران امپریالیسم به سرانجام میرسد و از لحاظ زیر بنائی چندین روابط وشیوه تولیدی با هم همزیستی کرده ، رشد اقتصادی بسیار ناموزون بوده- مناطقی اقتصادشان هنوز شبانی وکولبری اساسی ترین وسیله نقلیه است و در منطقه ای دیگرچرخ تولید

به پیشرفته ترین تکنولوژی دیجیتالی مجهز. در کشوری که بیش از صد سال در مسیر انقلاب برای حل وظائف بورژوا - دمکراتیک چرخش در گل مانده است. در کشوری وابسته به صادرات تک محصولی و از لحاظ ژئوپولیتیک در منطقه ای استراتژیک قرار گرفته و قدرت های امپریالیستی برای تسلط بر آن در رقابتی شدید قرار دارند پاسخ درست احتیاج به تلاش همه جانبه برای به حساب آوردن کلیه فاکتورهای در حال تغییر دائمی دارد و درست بدین خاطر باید با مرزبندی دقیق طبقاتی ، با تعیین برنامه سیاسی طبقه کارگر که سوسیالیسم است ، مشی عمومی منطبق براین برنامه سیاسی که بطور مشخص از بررسی صف آرائی نیروهای فعال سیاسی جامعه نشات می گیرد را معین کرد تا همچون چراغ راهنما برای عملیات فعال نیروهای پرولتری و توده های وسیع قرار گیرد.

سوم :امروز وضع کلی چگونه است

طبقه بورژوازی ایران اکنون در صحنه سیاسی با صف آرایی گوناگونی در حاکمیت و در بیرون حاکمیت در برابر طبقه کارگر ایستاده و امروزهم مانند گذشته ، هنگامی که کل نظام سرمایه داری زیر سئوال رفته و جنبش توده ای در حال گسترش هستند و مهتر اینکه شعار های رادیکال کمونیستها مورد قبول توده ها قرار می گیرد ، برای نجات خود همانند انقلاب ۵۷ جناح دیگری از بورژوازی بازهم با دستکاری های امپریالیستها به میدان می آید تا همچنان به سلطه ی سیاسی طبقاتی اش ادامه دهد. سناریوی نسبتا شبیهی دارد به روی صحنه می آید که اگر موفق شود هرچه در بار اول همه را به گریه انداخت اینبار فاجعه ی خنده داری است که نمایندگان جناح دیگری از طبقه بورژوازی دارند با کمک امپریالیست ها به نیروهای کمونیست و کارگری تحمیل می کنند .

چهارم :تفاوت ها وشباهت

۱ تفاوت و تغییر اسا سی در جامعه ایران در این چهل سال گسترش عظیم صفوف طبقه کارگر است که سیمای کلی حرکت های اجتماعی را عوض کرده است و درست بدین علت کلیه احزاب وشخصیت های سیاسی بورژوازی وخرده بورژوازی را بدین نتیجه رسانده که بدون پشتیبانی خارجی امپریالیست ها ، و حکومت های ارتجاعی محلی توانایی کسب قدرت را ندارند . ایران کنونی دارای پانزده میلیون کارگر است که با خانواده هایشان جمعیت شصت میلیونی را تشکیل می دهند . متحدین نزدیک این طبقه معلمان ، پرستاران ، خرده بورژوازی شهری وروستائی که با خطر فقر دائمی روبرو هستند ، تبدیل به نیرویی بس گران وتعیین کننده شده اند که برد وباخت انقلاب را قلم می زنند .این بزرگترین عامل تغییر یافته در جامعه کنونی در مقایسه با جامعه ی دهه ی پنجاه است .

۲ با اینکه امپریالیسم آمریکا همان نقشی را بازی می کند که دردوره رژیم چنج سلطنتی بازی کرد یعنی به این نتیجه رسیده که جای گزینی خامنه ای ودارودسته ی جمهوری اسلامی بسود آمریکاست. اما تفاوت هائی دیده می شود : آن زمان آشکارا پادشاهی را که بدست خود با کودتای ۲۸ مر داد ۳۲ ۱۳به سلطنت بر گردانده بود ، مجبور کرد ایران را به سود خمینی ترک کند . امروزدارای چنین نفوذی در دستگاه حکومتی ندارد باید با زور و در گیری و تحریم سیاست رژیم چنج را پیاده نماید و از میان مخالفان رژیم جمهوری اسلامی حتی دشمنان سابق خود که تروریستهای اسلامی می نامید یا پسر پدری را که تخت وتاجش را به خمینی تقدیم کردند یار گیری کند چون دارودسته ی اسلامی حاکم مثل شاه حرف شنو نیست که با اشاره ی سفیر آمریکا تسلیم شود و نیروهای مسلح اش گوش به فرمان آمریکا نیست ، که جا را بدون جنگ خالی کند .اینهم یکی دیگر از فاکتور های تغییر یافته باید به حساب آورد که در عین حال می تواند عاملی باشد در سیاست رژیم چنجی چنانچه بتواند همچون کره شمالی وارد معامله شود..

۳ از سوی دیگر بین امپریالیستها هم وحدت بر سر ایران نیست. کافی است نتیجه نشست گوا دولوپ را با نشست نهم ژوئن امسال جی هفت، کوبک سیتی در کانادا مقایسه کنید تا تفاوت اوضاع را بهتر در یابیم.

٤ در سیاست دولت چین با اینکه تغییری دیده نمی شود - آن زمان مخالف براندازی رژیم شاه بود و آنرا کار آمریکا می دانست و امروز هم مخالف براندازی رژیم اسلامی است اما وزنه سیاسی واقتصادی چین بسی بسود ایران تغییر کرده است. همینطور است وضع رو سیه ، که تغییر سیاست داده وامروز از بودن رژیم اسلامی پشتیبانی می کند و مخالف سیاست رژیم چنج آمریکاست . پوتین رئیس جمهور فدراسیون روسیه که خود یکی از عوامل رژیم چنج در شوروی بود امروز به عامل مقاومت در برابر چنین سیاست هایی علیه آمریکا تبدیل شده است. درست برا ساس چنین او ضاعی است که دکتر ولایتی مشاور خامنه ای در سیاست خارجی می گوید باید برای نجات جمهوری اسلامی «نرمش قهرمانانه ای» دیگر بسوی چین و روسیه کنیم و تاکید دارد این حرف ولی فقیه است.

پنجم :وضع ما کمونیست ها چگونه است

کمونیست ها بنا به پیروی از آموزگاران خود همیشه آشکارا نظرات خود را بیان داشته اند. امروز هم با سر بلندی اعلام می کنند در سمت طبقه کارگر ایستاده ا ند وبرای براندازی کل نظام جهانی سرمایه و امپریالیستی و رژیم سرمایه داری اسلامی می رزمند . آنها بر اثر سرکوب های بی امان مرتجعان و پیدایش رویزیونیسم و وتسلط خط مشی سیاسی انحرافی موقتا کم نیرو شده اند و آگاهند که با دشمنان سر سختی رو برو هستند و طبقه کارگر ایران هنوز نه تشکیلات سراسری صنفی خود را دارد ونه یک حزب سیاسی پیشرو انقلابی خود را. آنها آگاهند که در دورانی زندگی می کنند که مبارزات طبقاتی با بغرنجی ،سختی و درمسیر پر پیچ وخمی تکامل یافته و می یابد. این درسی از تاریخ دویست ساله مبارزه ی طبقه کارگرجهانی است. اگر از قیام کمونارد ها در پاریس ۱۸۷۱ شروع کنیم و آنرا آغازی از مبارزه ی آگاه پرولتاریا ، طبقه ی نوین اجتماعی که زاییده ی نظام سرمایه دار یست و در عین حال گورکن آن ، به حساب آوریم در این صد وپنجاه سال بر سر این موضوع که در سطح جهانی و در سطح داخلی مرزبند ی طبقاتی میان د و ستان و دشمنان چگونه است جدال بزرگی در جریان بوده است. باز درست بخاطر همین ارزیابی ها در جنبش کارگری و کمونیستی انشعابات وانحرافات بوقوع پیوسته است. ورود به جزئیات مبارزات درون جنبش کارگری و کمونیستی از حوصله این مقاله خارج است اما یک نکته در کل مسیر این جدال تاریخی بین دو طبقه متخاصم دیده می شود . بورژوازی توانسته برای حفظ نظام سرمایه داری در کلیه زمینه ها بر قدرت خود بیافزاید و طبقه کارگر را که از لحاظ کمی به نیروی تعیین کننده ای در جامعه جهانی تبد یل شده است همچنان در زنجیر استثمار شدید برای سود بیشتر نگهدارد.درست بخاطر شکست جنبش سوسیالیستی در سطح جهانی وسرکوب جنبش های کارگری و توده ای از یک سو واستفاده ی تقریبن انحصاری از وسایل تبلیغی امروزه عناصر خرده بورژوازی کاملن از آینده بهتری برای بشریت ناامید شده اند و نقش منفی در جنبش مترقی

و خیزش انقلابی طبقه کارگر بازی می کنند. دیگر در جهان جنبش های عظیم ضد امپریالیستی دانشجوئی برای آزادی و صلح که در دهه ی شصت قرن پیش سراسر گیتی را فرا گرفته بود دیده نمی شود.دیگر در میان دانشجویان و محصلین ایرانی خارج ،آن جنب و جوش کنفدراسیونی سالهای شصت که صد ها مبارز چپ انقلابی از آن برخاست موجود نیست. آب ها از آسیاب برای این قشرافتاده است. قشر عظیم اجتماعی خرده بورژوازی در پی بحران های اقتصادی این چند دهه بخش هایی از آن هر چه بیشتر به پائین سوق داده شده اند . این امر در مورد جامعه کنونی ایران به وضوح دیده می شود و از این نظر هم نقطه قوت جنبش زحمتکشان است وهم از زاویه دیگر نقطه ی ضعف چون خصوصیات قشری خود را بدرون طبقه کارگر می برد و به امر سازماندهی این طبقه چنانچه حزب سیاسی پیشرو طبقه موجود نباشد که اکنون نیست ، زیان می رساند. درست بدین علت مبارزه اندیشه ای و سبک کاری برای پاک نگهداشتن صفوف جنبش کمونیستی یک امر ضروری و دایمی است.

ششم :جرات به مبارزه

بر ماست که حزبی براساس اصول وبرنامه برای سازماندهی و هدایت صف راستین کارگری و توده های عظیم مردمی بوجود آوریم. برای انجام این وظیفه مبرم و فوری که می تواند در تحولات انقلابی کنونی ایران موثر واقع افتد باید بر اساس مشی سیاسی عمومی طبقه کارگر به وحدت رسیم. اولین واساسی ترین خط برای کمونیست ها مرزبندی بین دو طبقه اصلی و آشتی ناپذیر یعنی کارگران و سرمایه داران است. این تضاد اساسی است و چگونگی تضاد های دیگر را تعیین می کند . هر تضادی که در جهت حل این تضاد اساسی باشد و در عمل شرایط را برای براندازی قدرت سیاسی بورژوازی بسود پرولتاریا مساعد سازد باید با دقت شناخته شود و حزب سیاسی طبقه کارگر راهکار های مشخصی را در این زمینه ارائه دهد.اکنون ناشی از این تضاد اساسی و تضادهای درجه دوم تابع آن یک جبهه بندی سیاسی آشکاری در برابر جامعه دیده می شود . از یکسو بورژوازی حاکم است که چهل سال است با استثمار شدید کارگران وزحمتکشان و ستمگری اسلامی دوران بردگی و ما قبل سرمایه داری نظرات بغایت خرافی ، ضد علمی و ضد کمونیستی را در جامعه در کلیه زمینه ها پراکنده کرده. بدون شک باید برانداخته شود. این خواست اکثریت عظیم مردم ایران است و کمونیست ها باید بنا به وظیفه انقلابی شان که در این صد سال گذشته هم در عمل ثابت کرده اند در پیشاپیش صف حرکت توده ای براندازی جاری حرکت کنند. کمونیستها باید از طریق یکی کردن صفوف پراکنده ی کنونی خود و سازماندهی وسیعترین نیروهای کارگری در تشکیلاتی یکپارچه و سراسری طبق شرایط مشخص منطقه ، رشته تولید و پراکندگی و تمرکز کارگری صف اصلی و تعیین کننده ی انقلاب را آرایش دهند و از این طریق مشی عمومی سیاسی وشعار های مشخص خود را با جنبش توده ای براندازی تلفیق دهند . تنها از این طریق است که می توان جلو بدیل های بورژوازی و مشی های رژیم چنج به سود امپریالیسم را سد کرد. هر طبقه وقشری که سر سپردگی به نظام سرمایه داری دارد و دست در دست امپریالیسم گذاشته اند اساسن در سمت صف دشمنان طبقه کارگر قرار دارند و هر چه قدر هم امروز دربراندازی رژیم حاکم سرمایه داری اسلامی سینه سپرکنند همانطور که خمینی کرد وبه قول خودش خدعه بود ، هدف آنها ادامه نظام سرمایه داریست با پوششی سکولاریستی و آزادی خواهی و چون بار دیگر زیر شعار همه باهم به میدان آمده اند نقش مخرب در شکل گیری جنبش واقعی چپ سوسیالیستی و کارگری داشته و چنانچه با پشتیبانی کنونی امپریالیسم آمریکا و حاکمیت ارتجاعی اسراییل وعربستان قدرت را به کف گیرند دیکتاتوری سرمایه نوینی را مستقر خواهند کرد.. این جبهه ضد مردمی است و در خدمت مشتی کوچک سرمایه دار وقدرت های امپریالیستی وارتجاعی قرار دارد و باید با آن مبارزه کرد. اما این مبارزه هنگامی با موفقیت جلو خواهد رفت که ما خود بی هراس از سختی راه ،همانند شاهرخ زمانی ود یگر مبارزان کارگری در عمل از مبارزات مردم علیه رژیم جمهوری اسلا می حمایت کنیم و در عمل ماهیت ضد کارگری و کمونیستی آنها را بر ملا سازیم. اما صف دیگری هم هست که برای اصلاح رژیم از درون تلاش می کند. این نیروی اصلاح طلبان درون نظام پشتیبانان بیرونی هم در این سالها داشته اند ودر سطح جهانی هم در صف آرائی نیروهای سرمایه داری و امپریالیستی می توان انگشت روی وفاداری ان به برجام گذاشت. اینها حتی ممکن است نقش جام زهر دومی را برای نظام بازی کنند و مهره ی عقب نشینی در برابر امپریالیسم آمریکا باشند. صف پرولتاریائی باید با این صف هم مرزبندی دقیق داشته باشد ، ماهیت طبقاتی آنها را بر ملا سازد و چنانچه طی این سالها تجربه کرده ایم این نیروها در آخرین تحلیل خدمتکار حاکمیت و جزوی از آن بوده اند . تضاد بین این صف آرائی و صف آرائی اولی برای بیرون آمدن از بحران کنونی ونجات سرمایه داری موجود است و بی شک در تکامل او ضاع هر کدام نقشی متفاوت بازی خواهند کرد اما پرولتاریا باید راه مستقل خود را در پیش گیرد ،حزب خود را بوجود آورد جبهه ی کارگری را همه جانبه مستقل گسترش دهد و برای پیروزی های بزرگ با دید طولانی قدم به قدم برنامه سیاسی خود را به میان وسیعتر ین و عظیم ترین توده های مردم برد. طبعن استفاده از تضاد بین جبهه بندی های بورژوازی هنگامی که مشی اساسی انقلابی پرولتاریا همچنان دنبال شود شرایطی دارد که باید بموقع از آن استفاده شود.

دیلم

بجز نوشته هایی که با امضای تحریریه منتشر می گردد و بیانگر نظرات حزب رنجبران ایران می باشد، دیگر نوشته های مندرج در نشریه رنجبر به امضا های فردی است و مسئولیت آنها با نویسندگانشان می باشد.

وقت ضرورت چونباشد گریز دست بگیرد سر شمشیر تیز!

توده های کارگر و زحمت کش این روزها به مراتب بیشتر از ۴۰ سال گذشته دربرابر رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی به غایت دزد و فاسد ارتجاعی، بی رحمانه مورد توهین، تهاجم، زندان، شکنجه و مرگ ازجانب اراذل و اوباش آن قرارگرفته اند. تورم افسار گسیخته، گرانی روزانه ی مواد اولیه غذائی، نپرداختن مزدکار، اخراج و بیکارسازی، توهین به معلمان و زنان مبارز، سرکوب آنان، کشاندن کودکان ناشی از فقر خانواده ها به میدانهای کار استثمار و

ستم ناامن، رواج فروش اعضاء بدن درمقابل مشتی پول ناچیز درتامین زیستن درقعرفقر، فروش کودکان، به خون کشیدن اعتراضات به حق توده ای موجود، متقابلا دزدانی که به سان سرداران بی لیاقتی از سپاه پاسداران قاتل با سلاح متعلق به مردم درخدمت حفظ چاپیدن خود می باشند که آخرین نمونه آن درپیوستن به جرگه ی دزدان سرمایه دار با اختلاسهای ۴ میلیارد دلاری از بنیاد تعاون این سپاه، بدون ریخته شدن خونی از بینی شان، فرار به خارج را درپیش گرفته اند. کشور ثروتمند ایران به مثابه گوشت قربانی شده ای است که گرگان حاکم درتکه پاره کردن آن سر از پا نمی شناسند.

سکوت و تحمل این نظام جنایت پیشه، جزخدمت به ایجاد قبرستان وسیعتری از ایران، حاصلی برای مردم نخواهد داشت. به این اعتبار حرکتهای متحد سراسری و یک پارچه ی کارگران و زحمت کشان در سراسر ایران درمقابله با این گرگان درنده خو به ضرورتی اجتناب ناپذیر تبدیل شده است. بدین منظور :

۱- در گام اول افشای کلیه سرکوبگران با اسم و رسم، اعم ازنشسته گان در کرسیهای قضائی، زندانبانی، شکنجه گری، نظامیان و پلیس سرکوبگر، اطلاعاتی های پرونده ساز که در دست توده های مردم موجود اند هم در ایران به توده ها معرفی شوند. و هم درخارج از کشور نیز با ارسال این اطلاعات ازجنایتکاران به وسایل انتشاراتی مردمی نظیر چاپخانه ها، روزنامه ها، رادیو و تلویزیونها، و دیگر وسایل ارتباط جمعی معرفی شوند تا این ظالمان درنده خوی افسارگسیخته بیش از پیش مورد افشا قرارگرفته و راه فرار آنان از دادگاههای توده ای مردمی و مخفی ماندن درخارج گرفته شود؛

۲- طرد حرکتهای فرقه گرایانه و بسیج هرچه فراگیرتر اعتصابات سراسری در تحقق خواستهای مشخص پامال شده ی کارگران و زحمت کشان به عمل درآیند؛

۳- سازماندهی فدراسیونهای سراسری که در به نظم درآوردن اعتصابات و تظاهرات خیابانی نقش تنظیم و هدایت کننده این مبارزات را به دست بگیرند که ازجمله ضروریات مبرم روز هستند.

۴- سازماندهی اتحاد حرکتهای جنبشهای توده ای زنان، معلمان، دانشجویان، پرستاران، بازنشسته گان، هنرمندان، نویسنده گان و روزنامه نگاران، ملیتهای تحت ستم تحت رهبری جنبش توده ای سراسری کارگران حتا درشرایطی که به حقوق یکی از این جنبشها تجاوز صورت بگیرد؛

۵- وحدت کمونیستها در ایجاد حزب کمونیست انقلابی واحد ایران، به مثابه امری مبرم و طرد فرقه گرائی ارتجاعی دامن زدن به تشتت نظری و عملی که از بزرگترین ضعف رهبری تشکل آگاه توده ای می باشد؛

۶- مقابله با ارتجاع داخلی حاکم و امپریالیسم و عوامل درونی آنان، در جلوگیری از حق تعیین سرنوشت ملیتهای کشور ایران به دست خود و افشای نیروهای ارتجاعی سلطنت طلب و مجاهد و تروریست در خدمت بقای نظام سرمایه داری داخلی و جهانی؛

۷- برای تحقق جامعه ای سوسیالیستی بدیل رهائی بخش کنونی کارگران و زحمت کشان نه تنها درایران بلکه در سراسر جهان تلاشی دوران ساز است که با سلب مالکیت انجام یافته و می شود توسط سلب مالکیت کنندگان و قرارگرفتن این مالکیتها در اختیار اجتماعات کشوری و حتا جهانی، رهائی از فقر، جنگ، و ازخودبیگانه گی هرگز تحقق نخواهد یافت.

این نکات ازجمله مسائل اساسی موجود درایران و جهان هستند که تنها با محکم به دست گرفتن این خواستها و به عمل درآوردن آنها شرایط را برای اتحاد چنان مستحکمی درمیان بیش از ۸۰٪ کارگر و زحمت کش فراهم خواهیم ساخت که برای همیشه نظامهای طبقاتی تحمیلی اقلیت های حکمران را به اکثریت مردم پایان خواهد یافت.

درشرایطی که خون انسانهای آزاده ایران را درقاپیدن ثمرات کار و زحمت توده های مردم ایران توسط حاکمان مرتجع دزد داخلی و متجاوزین امپریالیست به شیشه کرده و حاضر به انجام بزرگترین جنایات هستند، وقت تصمیم گیری مصمم و پرقدرت در فراهم ساختن نیروی رزمنده و پرتوان توده های مردم تحت رهبری طبقه کارگر ایران واژگون سازی این نظامهای جنایت پیشه سرمایه داری فرا می رسد.

حزب رنجبران ایران

اول خرداد ۱۳۹۷ (۲۲مه ۲۰۱۸)

عدالت در جمهوری اسلامی

به دستگیری های بدون دلیل ، مدرک ، ارائه جرم ، شهود و تکیه حتی به قوانین رژیم اسلامی ،خود سرانه باید شدیدا اعتراض کرد. این نوع دستگیری فعالین سیاسی و اجتماعی همچون کفتاری بر سر زندگی انسانی ،امنیت و اسایش را از مردم ربوده است. هیچگونه امنیتی بویژه در عرصه های سیاسی موجود نیست. نیروهای امنیتی و نظامی شهرها و کوچکترین روستاها را محل گرگتازی خود قرار داده اند.صدها فعال کارگری و انسان های معترض به اوضاع خفقان آور موجود سال هاست که در زندان های رژیم اسلامی همچنان منتظر حکم و یا اجرای حکم و دادرسی هستند. هیچگونه قانون تحقیق و بررسی جرم به غیر از شکنجه های وحشتناک وجود ندارد. علاوه بر روش های گذشته ،مدتی است که زندانیان سیاسی را برای کتک خوردن و بی حرمتی با زندانیان مواد مخدر ، قتل و اعضای گروههای خطرناک اجتماعی همبند می کنند.تا با فرمان مسئولین زندان و توسط عده ای از چاقوکشان و لات های درون زندان شکنجه شوند.ظاهرا آنها با این کار مسئولیت مستقیم شکنجه زندانیان سیاسی را به دوش لومپن های زندانی بیاندازند. آنها از روش های دیگری همچون متوقف کردن بدون دلیل هواخوری و ملاقات با خانواده های و.....نیز برای درهم شکستن زندانی استفاده می کنند.دادن حکم های طولانی مدت بدون تناسب با جرم ثابت نشده ، کشاندن دائمی آنها به بازپرسی ، محروم کردن زندانیان سیاسی از کار رسمی اقتصادی ، فعالیت اجتماعی (در زمینه های مختلف سیاست ، هنر، تشکل یابی ، انتخابات و...) بخشی از برخورد رسمی جمهوری اسلامی به مخالفین سیاسی در ایران است. اعتراف گیری های دروغ زیر شکنجه در جلو تلویزیون های مدار بسته و یا ویدئویی و یا توسط دست خط در هیچ مرحله ای از دادرسی از دستگیری تا بعد از حکم قطعی قابل اعتراض و رسیدگی نیست. دادستانی و شکنجه گران و زندانبانان حکم زندانی را تعیین می کنند و دادگاه و .... بیشتر یک نمایش است تا یک دادرسی عادلانه.رژیم اسلامی کار وکلا و قضات را با همکاران شکنجه گر خودش اشتباه گرفته است قوه قضائیه عدم اعتماد خود را به قضاتی که خود تعیین کرده است بارها بیان کرده است. حتی قضات هم دارای برخوردهای

متفاوتی هستند برخی از آنها جلادانی به نام قاضی هستند ، قاضی مقیسه یک نمونه از آنهاست و برخی دیگر با اینکه در مسند قضات با قوانین اسلامی نشسته اند. اما کاملا تسلیم رژیم نیستند.به این دسته قضاوت های سیاسی و امنیتی سپرده نمی شود و آنها بیشتر دادگاههای شهرستان ها که بیشتر به کار مجرمین اجتماعی می پردازد را جلو می برند. اما قضاتی که کار قضاوت را در رابطه با زندانیان سیاسی ، جرم سیاسی و امنیتی برای رژیم انجام می دهند بطور واقعی بخشی از دادستانی هستند. معمولا حکم ها قبلا توسط عناصر بالای دولتی صادر شده و در دادگاه فقط خوانده می شود. در معیارهای ارزشی آنها قادر به درک دفاع وکلا از موکلینشان نیستند. وکلای جسور و با شهامتی همچون عبدل فتاح سلطانی ، نسرین ستوده و ناصر زرافشان ،شیرین عبادی و حاضر نشدند که با سکوتشان به ناعدالتی نسبت به موکلینشان گردن بگذارند و به همین علت خود به زندان محکوم شدند.برخی از آنها حتی در دادگاهی که حکم را صادر کرده بود حضور نداشتند. قوه قضائیه در ایران بطور واقعی عدالت اسلامی را شدیدا رعایت و اجرا می کند. توهم نسبت به اینکه رهبران دولت و قوه قضائیه بایستی نوعی عدالت و تعامل را در رفتار های خود جلو ببرند خاک پاشیدن به چشم مردم است. آنها عدالت اسلامی را که در زمان برده داری و از قرون وسطی به قوانین اسلامی راه یافته است را اجرا می کنند.این قانون همه را مطیع و تسلیم ، ضد زن میخواهد. این قانون عدالت را با تسلیم به قوانین اسلامی و نمایندگانش که آخوند ها باشند می خواهد.تاریخ عدالت اینها به گردن زدن یک روزه ۷۰۰ نفر در یک جا برمی گردد تاریخی که نه باعث شرم و سرافکندگی دولتیان بلکه سند افتخارشان به حساب می آید. به همین دلیل آنها به هیچ اعتراض و مخالفتی روی برنمی تابند و آنرا با شکنجه و زندان و اعدام پاسخ می دهند.در اکثر سایت های داخل و خارج از کشور پر است از اسم زندانیان سیاسی که فعالین سیاسی بدنبال آزاد کردن آنها از زندان های رژیم اسلامی هستند. برای جمهوری اسلامی بگیر و ببند ها نوعی از فشارهای سیاسی و امنیتی است که برای محدود کردن و به انزوا کشاندن زندانیان سیاسی از یک طرف و خسته کردن فعالین حامی آنها از طرف.آن نکاتی که در قوانین ایران نسبت به حقوق زندانی نوشته شده اگر نگوئیم همه آن ولی اکثریتش فقط بر روی کاغذ نوشته شده و هیچگاه به آن عمل نمی شود.. مثلا بدون حاکم دادستانی هیچ فردی را نمی توان دستگیر کرد. در صورت دستگیری تا ۲۴ ساعت باید جرم به مجرم تفهیم شده و اجازه گرفتن وکیل داشته باشد.قوانین جزائی در رژیم اسلامی سرمایه که بطور واقعی اجرا می شود قوانین شرع اسلامی است که خود مشوق خشونت و پایمال کردن معیارها و ارزش های انسانی است که با مبارزات اجتماعی صد ساله اخیر بدست آورده است. قوه قضائیه رژیم اسلامی می خواهد عدالت سرمایه اسلامی را برقرار کند. کاری که در آن موفق هم بوده است چرا که نتایج قوانین سرمایه اسلامی هیچ چیز بهتری از جنایت پیشگی و ضدیت با عدالت و آزادیخواهی را در خود ندارد. آنروزی که عدالت طلبان و آزادیخواهان در یک جنبش عظیم طبقات فرودست قدرت سیاسی را به زیر بکشند معلوم خواهد شد که این قضات شرع چه جنایاتی را با احکام نا عادلانه خود به مردم روا داشته اند. آنوقت عدالت نه در پشت درهای بسته و توسط حاکمان در خدمت به سرمایه بلکه توسط دادگاههای علنی مردمی و در راستای حقوق تولید کنندگان ،کارکنان و زحمتکشان جامعه معنای واقعی خود را خواهد یافت.در نظام طبقاتی عدالتی طبقاتی موجود است و حق فقط در حدود منافع طبقاتی معنی واقعی خود را می یابد. قوه قضائیه رژیم اسلامی در حال اجرای عدالت اسلامی است که مورد تنفر مردم است. چاره این بی حقوقی اکثریت مردم نه تلاش برای تعدیل این بی عدالتی بلکه از بین بردن کلیت رژیم اسلامی همراه با عدالت اسلامیش است .

ع.غ

نسرین ستوده پیش از ظهر چهارشنبه ۲۳ خرداد (۱۳ ژوئن) در منزلش بازداشت و به زندان اوین منتقل شد. به گفته رضا خندان، در ابتدا به او گفته شده بود که در ارتباط با حکم ۵ سال محکومیت که سال‌ها پیش در جریان تحصن‌های ستوده در مقابل کانون وکلای دادگستری در دادگاهی بدون حضور او صادر شد بازداشت شده است. رضا خندان در صفحه کاربری خود در فیس‌بوک نوشته است، اما بعد در دادسرا مشخص شد که "بازداشت او به دلیل شکایت مهدی پی‌تام، بازپرس پرونده شاپرک شجری‌زاده (از دختران خیابان انقلاب) مستقر در دادسرای شهر کاشان بوده است."

درجنبش جهانی کمونیستی بقیه از صفحه آخر

نفر، بیش از نیمی از جمعیت جهان در این ۱۴ کشور زندگی می کنند. البته، طبق گفته ام ال پی دی، روند به سوی« امپریالیسم جدید » با این ۱۴ کشور به پایان نخواهد رسید، بطوریکه « روند تشکیل کشورهای جدید امپریالیستی هم اکنون در تعدادی از کشورهای دیگر ثابت شده است.» (ص ۷) و اگر این به اصطلاح «گواه در تعدادی از کشورهای دیگر» نیز تصریح شده باشد، اما به جز چند محدوده قاره ای، تعداد زیادی از کشورهائی که اکثریت جمعیت جهان در آنها ساکن شده اند، امپریالیستی خواهند شد. سپس، باتهی شدن جهان از ملت های ستمدیده و مردم، امپریالیسم خود را در یک وضعیت خاص قرار خواهد گرفت و لنینیسم نیز بطور گسترده ای از ویژگی های جنبش جهانی کمونیستی که آن را به عنوان تقسیم جهان بین ستمگران و ستم دیده ها تقسیم می کند در نهایت بی ربط می شوند.

ارزیابی ام ال پی دی به این معنا ست « این جزمی خواهد بود...که کشورها را یکبار و برای همیشه به ستمکار و ستمدیده طبقه بندی کنیم »، که منعکس کننده انکار کامل تضادهای بین المللی امروز است – تضاد ما بین امپریالیسم از یک سو و ملتها و مردم ستمدیده از سوی دیگر.

صدور سرمایه به عنوان کلید تعیین کننده؟

با آوردن نقل قول از تحلیل لنین از امپریالیسم یک قرن پیش، ام ال پی دی صدور سرمایه را به عنوان عامل تعیین کننده ای می بیند که کشورها را « امپریالیست جدید » می نامد، می گوید: « صدور سرمایه، پایه اقتصادی قطعی برای استثمار و ستم دیگر کشورها توسط امپریالیسم است » (ص ۹) از این رو، در توضیح این جنبه در بحث در مورد کشورهای «جدید امپریالیستی»، بیشتر اهمیت می دهد. در ابتدا باید تکرار شود که صدور سرمایه حتی در مرحله ماقبل انحصار توسعه سرمایه داری وجود داشته است، هرچند در مرحله انحصاری آن مرحله خاصی را گرفته است. علاوه براین، درک لنینیستی از « صدور سرمایه » به عنوان یکی از ویژگی های امپریالیسم حتی در متن تاریخی آن، جزء جداگانه نبود، بلکه به صورت یکپارچه با چند ویژگی دیگر مرتبط بود. سرمایه داری انحصاری یا امپریالیسم به عنوان یک پدیده اجتماعی هر گز نمی تواند ایستا باشد، بلکه ناگزیر تابع قانون تغییر است، بطوریکه

تمام ویژگی های آن به همراه صدور سرمایه که توسط لنین در مرحله استعماری امپریالیسم شناسائی شده است بطور ناگزیر توسعه یافته یا تبدیل می شود که بیشتر شامل تغییرات کیفی با توجه به حقایق واقعی امپریالیسم جهانی نئولیبرالیسم امروزاست.

به این معنی، به اصطلاح صدور سرمایه حتی توسط کشورهای عقب مانده (در اینجا ما به تجزیه و تحلیل آماری نمی پردازیم که آیا « کشورهای جدید امپریالیستی » عبارتند از « صادر کنند گان سرمایه عمده » یا « وارد کنند گان سرمایه عمده ») ناشی از مشارکت در جریان عبور سرمایه بین مرز ها باید در چارچوب گسترده ای از راه های جدیدی که توسط امپریالیسم جهانی (یا فرا ملیتی) با آخرین ویژگی های نئولیبرالی آن، از جمله مالی سازی (در مقایسه با تجزیه و تحلیل قبلی آن در مورد کشورهای جدید امپریالیستی، قابل درک باشد که آخرین نوشته منتشر شده توسط ام ال پی دی، « بین المللی کردن بخش مالی » را به عنوان یک روند عمده نشان می دهد) و دیجیتال سازی باشد. بر خلاف وضعیت جهانی پیش از نئولیبرالیسم، مسیرهای پیچیده مرتبط با بین المللی شدن تولید و جریان مالی، حتی شرکتها را از " ضعیف ترین حلقه های" اقتصادی بین المللی به منظور جست و جوی سرمایه گذاری جذاب در خارج کشور هم چنین قادر ساخته است. همانطور که در توضیحات قبلی ما اشاره شد (به عنوان مثال، « صدور سرمایه » به عنوان یک معما در تعریف « کشورهای جدید امپریالیستی »، ۲ اکتبر ۲۰۱۷؛ بحث در مورد « کشورهای جدید امپریالیستی »، ۳۰ مارس ۲۰۱۷ ؛ و « در مورد تز ام ال پی دی در باره کشورهای جدید امپریالیستی »، اوت ۲۰۱۶ : (www.cpiml.in)، صرف نظر از ماهیت کشورهای مربوطه و رژیم حاکم متعلق به آنها، تعداد کمی از سرمایه داران بسیارثروتمندی حتی در کشورهای بسیار عقب مانده از نظر اقتصادی که بطور جداگانه از بین المللی شدن سرمایه مالی بهره مند می شوند، وجود دارد.

در اینجا، ما بار دیگر به مورد نپال اشاره میکنیم که یکی از فقیرترین کشورهای جهان است. اما، میلیاردری به نام بینود چودوری وجود دارد، که همراه با عملیات بزرگ کسب و کار در نپال، گروه های مختلفی از شرکتها را در ۴۵ کشور دارد.

به این ترتیب چودوری از شرکت داشتن در نظام جهانی امپریالیستی یک ذینفع می باشد. در عین حال، مشارکت یا همکاری او با سرمایه داری جهانی، یک روند گذرائی ست که با چند عامل داخلی و خارجی وابسته است. اما، این به اندازه ای نیست که موقعیت مستعمره نوین نپال را تغییر دهد. اگر چنین فرصت های سرمایه گذاری بین المللی ناشی از راه های جدید جریانهای سرمایه ای بین المللی به صورت مکانیکی به عنوان « صدور سرمایه » تفسیر شود، این ممکن است ما را به موقعیت عجیب و غریبی هدایت کند که حتی فقیر ترین کشورها را امپریالیست توصیف کنیم. به عنوان مثال، طبق آمار رسمی هند، موریتس یکی از صادر کنند گان عمده سرمایه این کشور است. اما، در تجزیه و تحلیل دقیق تر، می توان دریافت که این به اصطلاح اف دی آی (سرمایه گذار مستقیم درخارج) که از طریق مسیر موریتس می آید، ثروت به حساب نیامده که در حال حاضر در پناه گاه های مالیاتی امپریالیستی واقع در سوئیس، آلمان و غیره خنثی شده است. بطور مشابه، طبق داده های بین المللی، سنگاپور احتمالاً به عنوان یکی از بزرگترین صادر کنند گان سرمایه توصیف می شود. بطور واضح، ام ال پی دی این کشورها را در لیست کشورهای امپریالیستی نگنجانده است. بنابراین، بجای نتیجه گیری به معنای وسیع آن، این و دیگر تحولات جدید باید در مسیر پیچیده فاز استعمار نوین بعد از جنگ امپریالیسم قرار گیرد.

به این معنی، از اهمیت خاصی در این جا رابطه طبقاتی اصولی در پس به اصطلاح صدور سرمایه است که امکان پذیر شده از طریق سرمایه گذاریهای خارج از مرز، ادغام ها، اکتساب ها و سرمایه گذاریهای مشترک مابین شرکتهای سهامی چند ملیتی- ام ان سی های- پایگاهی امپریالیستی و کشورهای وابسته به استعمار نوین تحت بین المللی شدن امروز تولید و صدورجریانهای مالی بین المللی که توسط سرمایه مالی انحصاری صورت می گیرند. تبعیت مکانیکی به یکی از ویژگی های مطرح شده توسط لنین از امپریالیسم، یا به عبارت دیگر، « صدور سرمایه » و مشخص کردن کشورها به عنوان « امپریالیست جدید » بر این اساس تنها امروز باید برداشتی بسیار ساده انگار باشد.

از نظر مارکسیست- لنینیستی، امروز صدور سرمایه در سطح "ظاهری" باقی می ماند، در حالی که استخراج ارزش اضافه تعیین شده ناشی از طبیعت طبقاتی دولت و روابط داخلی و خارجی تولید "اساس" تامین آن است. به طرز طنز آمیزی، حتی بدون صدور سرمایه بطور رسمی ام ان سی ها از کشورهای امپریالیستی همواره قادر به تأمین بودجه برای سرمایه گذاری از سوی کشورهای وابسته هستند، در حالی که دسترسی به چنین وجوه حتی به شرکتهای داخلی که از آنجا سرچشمه می گیرند انکار می شود؛ این جنبه ای است که دقیقا به « خصوصیت کمپرادور» بطور کلی کشورهای وابسته به نئولیبرال اشاره می کند.

در حقیقت، در زمینه بین المللی شدن سرمایه مالی انحصاری، هرچند انحصارات از کشورهای وابسته، که به لحاظ طبیعت شناخته شده تاریخی خود، قادر به انجام توسعه مستقل و خود پنداره سرمایه داری نیستند، می توانند وارد مسیر جریان ها سرمایه فرا مرزی قرار گیرند و در پروسه تولید جهانی شده، عملیات آنها شرکت کنند، همانطور که در کشورهای خودشان، هم چنان به عنوان شرکای جوان تر ام ان سی های متکی به امپریالیسم است. بر خلاف ام ان سی های امپریالیستی مرکز و صندوق بین المللی پول- بانک جهانی – سازمان تجارت جهانی که می توانند تصمیمات سیاسی را به کشورهای وابسته دیکته و اعمال کنند، شرکتهای آنها ناتوان از نقش مشابه در کشورهای امپریالیستی هستند.

از سوی دیگر، امروزه استثمار بیش از حد کارگران و غارت طبیعت در آمریکای لاتین، آفریقا و آسیا توسط انحصارات مالی غول پیکر از ایالات متحده، چین، اتحادیه اروپا و ژاپن از طریق اعمال فوق العاده طرفداران شرکتهای زیست محیطی، مقررات کار و مالیات و تحت دیکته کردن های صندوق بین المللی پول – بانک جهانی - سازمان تجارت جهانی منجر به فرسایش سیستماتیک حتی در حقیقت حاکمیت ملی این ایالت ها می شود. برخلاف این دخالت خارجی در کشورهای وابسته، دخالت بورژوازی بعدی (یا دومی) در کشورهای امپریالیستی یا مشارکت آنها در سرمایه های جاری جهانی برای ایجاد سازماندهی سلطه جهانی توسط آنها کافی نیست. بنابراین، « صدور سرمایه » از کشورهای به اصطلاح جدید امپریالیستی تا بحال به اندازه کافی توسعه نیافته است تا سلسله مراتب امپریالیستی که از قرن بیستم به ارث رسیده است را تکان دهد. به جای برخورد با این جنبه در انزوا و از بین بردن سایر مسائل انتقادی مرتبط، آنچه لازم است رویکرد آن از دیدگاه روابط طبقاتی جهانی ست.

زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری

تنها استثناء این قاعده کلی، اتحاد جماهیر شوروی و چین است که دو کشور قبلا سوسیالیستی که هر دو پس از بریدن از قوانین حرکت سرمایه مالی از طریق انقلابها دارای مسیر سیاسی متنوعی بودند تا این که استقرار مجدد سرمایه داری و ادغام نهایی با امپریالیسم، تبدیل به قدرت کامل امپریالیستی شدند. پس از آزاد شدن از قوانین حرکت سرمایه امپریالیستی، روسیه و چین فرصتی را برای توسعه سیستم اقتصادی اجتماعی مستقل براساس تصمیمات مستقل سیاسی داشتند. بنابراین، شرایط تاریخی بنیادی و شرایط سیاسی از بین رفتن این دو کشور از امپریالیسم، گذار آنها به کشورهای سوسیالیستی و سپس استقرار مجدد سرمایه داری در آنها و غیره نیاز به تجزیه و تحلیل جداگانه دارند و از لحاظ علمی نادرست است که آنها را به همراه دسته بندی عمومی کشورهای آفریقایی-آسیایی- آمریکای لاتینی که شرایط تاریخی و سیاسی آنها اساسا متفاوت است قرار دهیم. به عنوان مثال، خود استفان در کتاب ۲۰۰۳ خود (گرگ و میش خدایان) به وضوح « داستان موفقیت امپریالیستی» چین بدون اشاره به داستانهای مشابه ۱۴ کشوراز جمله درهند، برزیل، عربستان سعودی، و غیره در مورد این که استدلال نظریه جدید در حال حاضر ساخته شده است را توضیح داد. و در کتاب ۲۰۱۱ وی (سپیده دم انقلاب سوسیالیستی بین المللی) توضیحات مفصلی در مورد استقرار مجدد سرمایه داری و توسعه سوسیال امپریالیسم در اتحاد شوروی و چگونه اتحاد شوروی شورای کمک اقتصادی متقابل (سی ام ای ای) را به ابزار استعمار نوین غارت در دهه ۱۹۶۰ تبدیل کرد. البته، در این جا نیز درمورد کشورامپریالیستی چین اشاره می شود، به این ترتیب: « تصرف قدرت توسط بورژوازی انحصاری بوروکراتیک جدید تحت رهبری دنگ سیائوپینگ پس از مرگ مائوتسه دون در استقرار مجدد سرمایه داری نیز در چین بوجود آمد. » (ص ۱۲۴) به همین دلیل، دشواری در درک صحت و سقم سیاسی در پس مشخصه ناگهانی مجموعه ای از کشورها به عنوان « امپریالیسم جدید » در چنین کوتاه مدتی بو جود می آید.

ادامه دارد.

نقش زنان فلسطینی در جنبش مقاومت
بقیه از صفحه آخر

که در مورد ناهنجاری ها نسبت به زنان در جامعه مردسالار فلسطین بمثابه پدیده نسبتاً جدید ارائه میشود. Abu Ghazalah Shadia شادیابو غزاله. مشارکت زنان فلسطینی در مبارزه ملی با ظهور فلسطین در پایان قرن نوزدهم آغاز شد، زمانی که نخستین مستعمره یهودیان ساخته شد. اولین فعالیت سیاسی قابل توجه زنان در شهر آفتا در سال 1893 بود،هنگامی که زنان در اعتراض به ساختمان سازی جدید مجموعهٔ یهودیان، دست به تظاهرات زدند.

دوره سلطه بریتانیا(1917-1948) تاسیس سازمان های خیریه و افزایش کار اجتماعی، و همچنین مشارکت سیاسی زنان را در تظاهرات ها دید

پس از کشتن نه دختر فلسطینی در دهه 1929 در شورش دیوار غربی اورشلیم، اولین انجمن زنان عرب؛علاوه براتحادیه زنان عرب تشکیل شد. این اتحادیه ها چندین تلاش اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ملی را آغاز کردند، از جمله برنامه ریزی و سازماندهی تظاهرات و نوشتن نامه به رهبران عرب جهت حمایت از فلسطینی ها.

در مقاومت فعال خود علیه سلطه بریتانیا و صهیونیسم، زنان فلسطینی در روابط حمایتی به مثابه همسر، دختر و خواهر به آنها اعتماد نکردند.این زنان مسئولیت اصلی را در حمایت از مقاومت مسلحانه که عمدتا توسط مردان انجام می شود بر عهده داشتند از طریق معاوضه/ فروش جواهرات خود برای خرید تفنگ، و همچنین عرضه مواد غذایی، اسلحه و جمع آوری اطلاعات برای مبارزین(جنگجویان).

سازمان های زنان مسلح همچون زهرا ال اکوان Zahrat al-Uqhawan (گل داودی)،که در واقع در سال 1933 به عنوان یک سازمان اجتماعی در شهر یافا توسط دو خواهر محبا Moheba و خورشید عرب Arabiya Khursheed تاسیس شد، وجود داشتند. تغییر و تحول به یک گروه مسلح ناشی از آن بود که محبا Mohee-ba شاهد کشته شدن پسر بچه فلسطینی در آغوش مادرش توسط مزدور انگلیسی که سر پسر بچه را هدف گلوله قرار داد، بود. زهرا ال اکوان Zahrat al-Uqhawan تا زمانی که یافا در سال 1948 سقوط کرد درگیر مبارزه با گروه های مسلح یهودی بود، جایی که اکثر جمعیت شهری فلسطینی از لحاظ قومی پاکسازی شدند، از جمله محبا Moheba که بقیه زندگی خود را به عنوان یک پناهنده در اردن سپری کرد.

نکبه Nakba، و یا پاکسازی قومی تقریبا 800،000 فلسطینی (دو سوم جمعیت بومی) به دست شبه نظامیان تروریستی صهیونیست، با فروپاشی اقتصادی و اجتماعی فلسطین تعمیق یافت. تا سال 1967 هیچ سازمان رسمی از زنان وجود نداشت اتحادیه ها و سازمان های غیر رسمی محدود به طبقات ممتاز شدند. زنان پناهنده فلسطینی وظیفه ی انجام فعالیت های اجتماعی را که پیش از این در مناطق روستایی قبل از Nakba از آن امتناع می کردند، مانند ترک خانه های خود برای امرار معاش از طریق استخدام، عهده دار شدند.

بدون شرکت زنان هیچ انقلابی به پیروزی نمی رسد

پس از شکست در جنگ شش روزه ژوئن 1967، ، الناکسا، به عنوان کرانه غربی، نوار غزه، بلندی های جولان و سینا همه توسط اسرائیل اشغال شد، جنبش مقاومت فلسطین فزونی یافت و بر دیگر اشکال فعالیت های مدنی و اجتماعی اولویت یافت. اکثر فعالین اجتماعی زنان به تشکل های مقاومت فلسطینی پیوستند و مشغول کار سیاسی شدند. مشارکت ملی زنان در آن دوره همچنان ادامه می یابد چه در مقاومت مسلحانه، فعالیت اجتماعی و یا در سازماندهی مخفی در نوار غربی و نوار غزه، که ماحصل آن پدیدار شدن چندین شخصیت برجسته می باشد.

شادی ابو غزاله، یکی از اعضای فعال مردمی جبهه آزادیبخش فلسطین (PFLP)، یک نمونه از مشارکت برخی زنان جسور در مبارزه مسلحانه می باشد.

او از خروج فلسطین خودداری کرد و در زادگاه خود نابلس در نوامبر سال 1968،در سن 19 سالگی هنگام تهیه بمبی که بطور تصادفی منفجر شد جان خود را از دست داد. لیلا خالد، همچنین یکی از اعضای PFLP بود که به عنوان اولین زن فلسطینی با ربودن هواپیمایی در سال 1969 و همچنین در سال بعد، سر تیتر های جهانی را نصیب خود کرد. دالال مغربی، یکی از اعضای جناح مسلح فتح بود که پس از ربودن اتوبوسی که از هایفا به تل آویو می رفت در سال 1978 کشته شد که به عنوان عملیات جاده ساحلی معروف شد. در این عملیات 10 مبارز فلسطینی و 38 اسرائیلی کشته شدند.

اولین انتفاضه در مقاومت مردمی علیه تجاوز بی رحمانه اسرائیل بوجود آمد. زنان همراه مردان در اعتراضات بزرگ شرکت کردند، و حضور پیشین آنان نشان میدهد که با ضرب وشتم و خشونت توسط نیروهای اشغالگر همراه بوده است . در حالی که نقش زنان در انتفاضه با اهمیت و خطیر به شمار می آمد، نه وضعیت اجتماعی و نه مشارکت در فرایند تصمیم گیری سیاسی آنها افزایش یافت.

امضای توافقنامه اسلو در سال 1993 روابط با اسرائیل را عادی نمود ، قیام توده ای را به پایان رساند و اصل حق تعیین سرنوشت، آزادی و عدالت را در قبال وعده تحکیم قدرت اقتصادی و سیاسی تصویب کرد. اگرچه زنان در سازمان های غیر دولتی و جامعه مدنی نقش فعال داشتند، مشارکت زنان در دولت (PA) فلسطین تازه تشکیل شده کمرنگ و حاشیه ای است.

امکان اشتغال آنها محدود به دست یاری(سکرتر)، ماشین نویسی، یا معلمی در مدارس دولتی است. زنان هنوز هم در رهبری اصلی احزاب سیاسی فلسطینی نقش کمرنگی علیرغم سطح بالای فعالیت سیاسی دارند.

ادامه دارد

★

هنرمندان ،روشنفکران و قدرت
بقیه از صفحه آخر

رژیم ارتجاعی و سرکوبگر جدا کرد. اگر هنوز در آن دوران توهمی نسبت به خمینی وجود داشت اما اینک بعد از گذشت نزدیک به چهل سال و برخوردهای جنایتکارانه رژیم جمهوری اسلامی با مردم و بلند کردن پرچم خرافات و عقب ماندگی فکری و فساد و غارت منابع انسانی و محیطی ضدیت افسار گسیخته با فرهنگ و سینما و هنرمندان مترقی و هنر پیشرو و کشتار روشنفکران و نویسندگان ، سانسور گسترده ، آیا نکته مشترکی با سیستم حاکم باقی مانده است که برخی از هنرمندان با قبول دعوت رئیس جمهور این رژیم ارتجاعی سعی به نزدیکی و تعامل با آن دارند.؟ با درک این واقعیت که تنش های شدید اجتماعی از تظاهرات میلیونی تا اعتصابات و ....در.حالیکه امپریالیست ها به کمین ویرانی جامعه نشسته اند اگر نتواند با حضور نیروهای مترقی و انقلابی به تحول انقلابی فرا روید می تواند به طرف سیر قهقرائی تغییر مسیر دهد. این نگرانی نه تنها در بین هنرمندان بلکه در بین بسیاری از مردم وجود دارد و نگرانی واقعی و عینی است. اما حکومت با سوء استفاده از موضوع سعی به سرکوب و آرام سازی و یا مال خود کردن هر حرکت اجتماعی را دارد .آن روشنفکری که نتواند دفاع از مردمش و مبارزات دموکراتیک و انقلابی آنها را تضمین کننده و سدی در برابر سیاست های امپریالیستی ببیند . نه روشنفکر بلکه به قول احمد شاملو دزدانی با چراغ هستند. متاسفانه در بین هنرمندان و روشنفکرانی که زمانی با قلم و هنر خود نمادی از اعتراض به سیستم های فاسد بودند ،برخی به دعوت رئیس دولت ارتجاع پاسخ مثبت داده اند و با شرکت خود به تقویت جناح اصلاح طلب و سبز کمک کردند.توهم دیگری که این هنرمندان دچار آن هستند، اینست آنها قادر به درک این موضوع که اصلاح طلبان سوپاپ اطمینان رژیم در تنگناهای سیاسی و اجتماعی هستند و در بسیاری از مواقع تا همین حالا هم نجات دهنده رژیم جمهوری اسلامی. بوده اند، نیستند.. می گویند روزی خامنه ای به مهدی اخوان ثالث می گوید حالا انقلاب شده و شما بیائید در دفاع از انقلاب و رژیم جمهوری اسلامی هنر خود را در خدمت انقلاب اسلامی بگذارید.جواب اخوان ثالث برای هنرمند امروز می تواند سرمشقی باشد از تعهد او، می گوید. هنرمند نه با حاکمیت بلکه بر حاکمیت است که می تواند راهیاب مشکلات جامعه باشد.همانطور که بایستی شرکت کننده گان به این دعوت ها و حشر و نشر برخی از آنها را با رژیم

جمهوری اسلامی مورد انتقاد قرار داد نمی تواند تشکر و احترام عمیق خود را نسبت به هنرمندانی که با موضع گیری علیه حاکمیت و دفاع از منافع مردم حاضر به شرکت در چنین مجالسی نیستند بیان نکرد.اگر در سال های گذشته هنرمندانی که به این دعوت ها پاسخ رد می دادند فقط صف خود را جدا کرده بودند ولی امسال تعدادی از هنرمندان متعهد ، شجاع و شرافتمند با صدور اطلاعیه ها و نظراتشان را در مدیاها با همه خطرات امنیتی و کاری که برایشان دارد، بصورت صریح و بی پرده ای بیان کردند.در شرایطی که جامعه ما آبستن تحولات انقلابی است نقش روشنفکران و هنرمندان بسیار تاثیر گذار و حتی می تواند سمت دهنده باشد. در بحران های اجتماعی هر فرد ، گروه و عناصر اجتماعی نقش روشن تری از خود بروز می دهند.شدت گیری بحران های اجتماعی هم همانطور که صفوف سازمان های سیاسی ،عناصر و فعالین اجتماعی را در جایگاههای واقعی خود قرار میدهد.، هنرمندان و روشنفکران را وادار می کند که با موضع گیری های خود ،تعلق و خواست ها و تمایلات واقعی خود را تعیین کنند.ما در گذشته نه چندان دور از جنبش مشروطیت تا انقلاب سال۵۶-۵۷ با این امر بطور وسیع و گسترده آن روبرو بودیم.هنوز خاطره اعتصاب هنرمندان و روشنفکران در دانشگاه تهران در مقطع سال های ۵۶-۵۷ و تاثیر آن در امر مبارزه علیه رژیم سلطنتی از یاد نرفته است..بخش بزرگی از روشنفکران و هنرمندان در صد سال گذشته نقشی پیشرو و متحول کننده در جامعه داشته اند.می توان به جرات اذعان کرد که اکثر آثار بوجود آمده و تاثیرگذار متعلق به روشنفکران و هنرمندان عمدتا با گرایشات چپ و سوسیالیستی بوده است. برخورد هنرمندان و روشنفکران به قدرت بازتاب برخورد طبقات مختلف اجتماعی به قدرت و حاکمیت سیاسی جامعه است. امروزه اکثریت مردم خواهان سرنگونی انقلابی این رژیم و جایگزینی آن با یک رژیم دموکراتیک و سوسیالیستی که براساس عدالت اجتماعی و برابری انسان ها، هستند. تاریخ جنبش روشنفکری به ما نشان مید هد که آکثریت آنها همیشه در سمت مردم ایستاده انداتاریخ نشان میدهد مشت بسیار کوچکی هستند که از مردم می برند و به طبقات حاکم می پیوند ند.

آیا روشنفکرو هنرمندان ما به این خواست اکثریت احترام می گذارند و یا در شراکت و یا تعامل با قدرت به آن پشت می کنند. روشنفکران و هنرمندان متعهدی که به خواست دولت و بازی های سیاسی آن گردن نمی گذارند و شجاعانه حاضر به ترک شهرت و قدرت و پول هستند از پشتیبانی ، احترام وحمایت توده ها برخوردارند. اما آن دسته از هنرمندانی که در مقطعی از تاریخ گذشته شان خود را به جنبش های عدالت طلبانه اجتماعی متعلق می دانند و امروز یا در توهم ،عدم درک درست و بالاخره منافع شخصی نه بر قدرت بلکه با قدرت شده اند ،حتما هشدار گونه بایستی به خود آیند آنها باید به یاد بیاورند که می گویند تاریخ قاضی عادلی است.

ع.غ

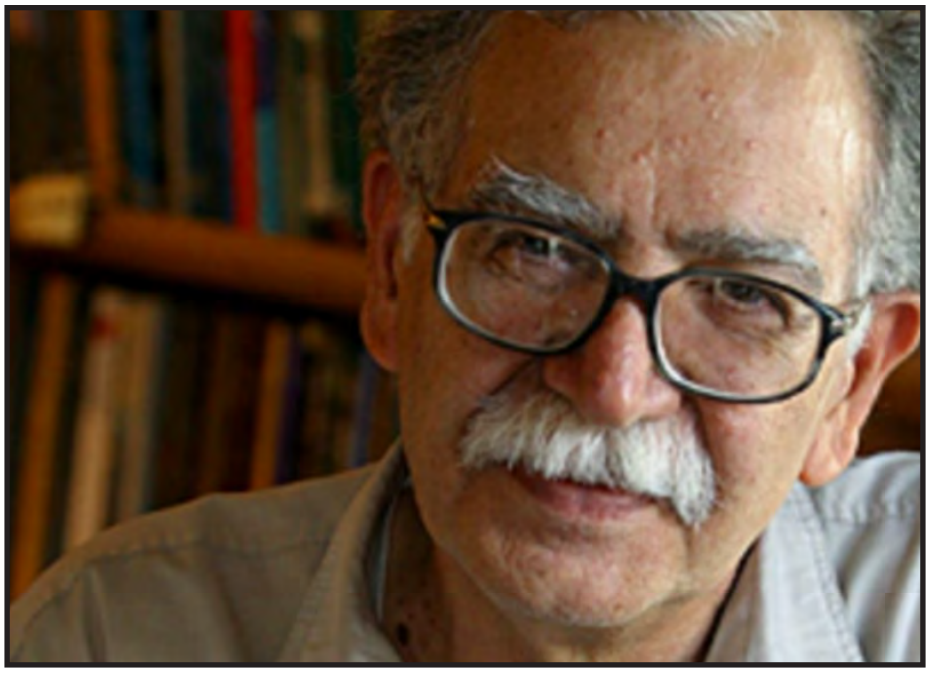

به تارنما های اینترنتی
حزب رنجبران ایران
مراجعه کنید
و نظرات خود را
در آنها منعکس کنید!

سایت حزب رنجبران
www.ranjbaran.org

سایت آینه روز
www.ayenehrooz.com

سایت رنجبر آنلاین
www.ranjbaran.org/01_ranjbar-online

سایت آرشیو روزنامه رنجبر
http://www.yudu.com/library/16050/Ayeneh-Rooz-s-Library

درجنبش جهانی کمونیستی

برخورد به نوشته « ظهور کشورهای جدید امپریالیستی »
پی جی جیمز- درستاره سرخ – پلاتفرم کمونیستهای انقلابی – ماهنامه، ارگان حزب کمونیست هند (م.ل) -
شماره ۱۹، ژوئن ۲۰۱۸

در ادامه بحث کنونی در مورد «کشورهای جدید امپریالیستی»، تـزی که توسط ام ال پی دی از سال ۲۰۱۱ تا بحال مطرح شـده اسـت، رفیق استفان انـگـل، نظریه پـرداز این حزب تحلیلی را در نوشته ای « کشورهای جدیدامپریالیستی » ادامه داده اسـت. با اشـاره به اهمیت اصلی این تز در تعیین هر دواستراتژی و تاکتیک های انقلاب بین المللی امروز، رفیق استفان بار دیگر موقعیت ام ال پی دی را در مورد « کشورهای جدید امپریالیستی » بیان کرد، بدین معنی که: « امـروز ظهور تعدادی از «کشورهای جدید امپریالیستی» یک سئوال اصلی ست. این پراهمیت است که این واقعیت را با علل و اثـرات عمیق آن درک کنیم. در غیر این صورت این غیر ممکن است که تغییرات جاری در وضعیت جهان را دیده و نتیجه گیری های درست را در مبارزه طبقاتی و آینده نوع بشر بدست بیاوریم. » (استفان انگل در مورد ظهور کشورهای امپریالیستی، ص ۷)

نتیجتا، دراین کتاب، ام ال پی دی عمدتاً گروهی از ۱۴ کشور را به عنوان کشورهای « جدید امپریالیستی » معرفی می کند. آنها عبارتند از: کشورهای بریکس شامل برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی؛ کشورهای میست، مکزیک، اندونزی، کره جنوبی، ترکیه، آرژانتین، عربستان سعودی، قـطـر، امـــارات متحده عـربـی و ایـران. بنابراین، حدود ۳ میلیارد و ۷۰۰ میلیون

بقیه در صفحه ۱۲

نقش زنان فلسطینی در جنبش مقاومت

بر گرفته از "ستاره سرخ" نشریه هفتگی حزب کمونیست هند) مارکسیست لنینیست)
ماه جون 2018
لینا السافین ((LINAH ALSAAFIN
17 آوریل 2014

علی رغم آنکه جنگیدن ریشه در ساختارهای پدرسالارانه دارد، زنان فلسطینی در دهه های اخیر نقشی جدی در جنبش مقاومت ایفا کرده اند.بدون اولویت رهایی زنان، رهائی ملی به دست نخواهد آمد.

صبحی بیادسه(Subhi Biyadseh)، مورخ فلسطینی، در کتاب خود در مورد روستای (Baqa al-Gharbiyeh) بکا الغربیه،رویدادی را خاطرنشان می کند که روستائیان برای او بازگو کرده اند.در دوره سلطه بریتانیا در فلسطین، انگلیسی ها روستای بکا الغربیه رادر سال 1936 ویران کردند. ارتش پس از آن همه مردان روستا را زندانی کرد که منجر به درگیری زنان همراه با کودکان خود که تنها مسلح به تکه پاره های سنگ بودند و شب هنگام به پایگاه های نظامی حمله می کردند و آزادی مردان خود را طلب می کردند که نهایتاً مؤفق شدند.

این قسمت نقش زنان فلسطینی را زمانی که علیه اشغال خارجی، بریتانیا و سپس اسرائیل بطور برجسته ای مقاومت می کنند به تصویر می کشد. این همچنین نشان دهنده این واقعیت است که زنان در جنبش مقاومت بخش جدایی ناپذیری از مبارزه علیه استعمار فلسطین می باشند. این امر در تضاد با گزارش حساسانه رسانه هایی است

بقیه در صفحه ۱۴

هنرمندان، روشنفکران و قدرت

من بر این سفره خون نمی نشینم
(درویشیان)

حسن روحانی بر طبق روال سـال های قبل تعدادی از هنرمندان اعم از نویسندگان ، دست اندر کاران سینما و تئاتر و....را به افطاری دعوت کرده بود. ظاهرا تحت عنوان تعامل با هنرمندان و شنیدن حرف های آنان البته دعوت هایی از این نوع توسط فرح پهلوی و هویدا در رژیم سلطنتی شروع شد . تقریبا همزمان خامنه ای هم با عده ای از « ادبا و شاعران و اهالی فرهنگ» دیـدار جمعی داشته اسـت. حکومت های مختلف همیشه سعی داشته اند که در بین روشنفکران و هنرمندان برای خود جایگاهی پیدا کرده و با تکیه به آن در ادامه سیاست های ارتجاعی برای خود مشروعیت بخرند. برخورد هنرمندان به سیاست نفوذی حاکمیت برخوردی کاملا طبقاتی و جانبدارانه است .برخی به دفاع از همکاری با دولت و تعامل حکومتی برمی خیزند و به عناصری برای ایجاد توهم هرچه بیشتر نسبت به ارتجاع و سرمایه داری در بین توده ها تبدیل می شوند و برخی دیگر با موضع گیری علیه سیاست های ارتجاعی و دفاع از طبقات فرودست و خواست های دموکراتیک کارگران و زحمتکشان صف خود را از حاکمیت جدا می سازند. بطور مثال وقتی قرار شد که کانون نویسندگان با خمینی دیداری داشته باشد. زنده یاد شاملوحاضر به این دیدار نشد و از همان روز های اول صف خود را با این

بقیه در صفحه ۱۵

با نشانیهای زیر با ما تماس بگیرید و نشریات حزب را بخواهید :

آدرس پُست الکترونیکی حزب رنجبران ایران :
ranjbaran.org@gmail.com
آدرس غُرفه حزب در اینترنت:
www.ranjbaran.org

آدرس پُستی حزب رنجبران ایران:
Ranjbar
P.O.Box 5910
Washington DC
20016
U.S.A